



شهر قصه . نمایشنامه در دو پرده و چهار صحنه

این بازی در تاریخ بیست و یکم شهریور ۱۳۴۷ برای نخستین بار در جشن هنر شیراز- تالار دانشگاه پهلوی، به روی صحنه آمد و بار دیگر به مدت نود و یک روز در تهران تأثر ۲۵ شهریور و نیز در شهرهای آبادان و مسجد سلیمان نمایش داده شده است.

این نمایشنامه با عنوان نمایش برگزیده تلویزیون ملی ایران در جشن هنر شیراز ۱۳۴۷ بر روی صحنه برده شد و به دریافت امتیاز نائل آمد.

در سال ۱۳۴۷ یکبار در جشن هنر شیراز و دوبار در تالار بیست و پنج شهریور بازی شد.

فیل	حسین والامنش
روپاه	عباس جاویدان
اسب	سپهیل سوزنی
شتر	اردوان مفید
موش	هومن مفید

«... شهر قصه در اصل از یک روایت عامیانه گرفته شده : منتهی من به این روایت شکلی تمثیلی داده ام. من در این نمایشنامه کوشیدم تا نظمی را که خاص زبان این قبیل روایتهای عامیانه است در گفتگوی آدمهای این نمایش حفظ شود.
«شهر قصه» حکایت دردناک آدمی است که نادانیها، خرافات و سنتها و نظامهای تحمیل شده ی زندگی را محدود کرده اند.

بیژن مفید

شهر قصه

صحنه : چارسوق شهر قصه با حجره هائی در اطراف.
گوینده وارد می شود.

گوینده

یکی بود ، یکی نبود.

اون زمونای قدیم ،

زیرگنبد کبود ،

میون جنگل سبز ، لای درختای قشنگ ،

شهری با صفائی بود.

دورتادورش گل سرخ.

روبروش کوه بلند.

باچمن های وسیع

که پرازشاپرکه .

مردماتش همه خوب .

همه پاک و مهربون .

همه پرکار و زرنگ .

همه روز صبح سحر وقت اذون ،

همه بیدار می شدن ،

تا برن با عجله ،

سرکار خودشون .

(اهالی شهر قصه تک تک وارد می شوند و جلوی

حجره ی خود قرار می گیرند .)

راستی داشت یادم می رفت .

اسم این شهر قشنگ ،

شهر قصه بود ... یادتون نره !

باری کجا بودیم ؟

آره ، از مردم شهر حرف می زدیم.

بچه های خوب که شما باشین

توی شهر قصه هم

مثل هر جای دیگه

هرکسی یه کاری داشت

خره خراطی می کرد

(خر ، به هیئت جاهلها و یکه بزنها پیش می آید)

خر
 قلیونای خوب داریم
 گلدونای خوشگل مرغوب داریم
 آقاییون بفرمانین
 خانوما بفرمانین
 گوینده
 بعد نزدیک غروب
 دست از کار می کشید
 رو سرش کلاه مخملی می داشت
 کتتشو یک وری می نداخت رو شونه ش
 سیبیلش رو تاب می داد، گشادگشاد راه می رفت،
 سرچارسوق می نشست غزل می خوند ،
 چارسوقو قرق می کرد.
 شتره نمده مالی میکرد.
 شتر
 نمدهای خوب داریم
 جنسهای مرغوب داریم
 کپنک ، کلاه نمده
 واسه بچه چوپونا
 که روکوهایی بلند نی می زنن ،
 آقاییون بفرمانین کلاه نمده
 آخ اونم چه نمده !
 همه از پشمهای اعلاي شتر
 که خود بنده باشم ، درست شده
 گاهی هم که کار و بار خوب نبود
 گوینده
 برای مردم شهر قصه نقالی می کرد
 خرگوشه رزازی می کرد
 (خاله سوسکه با طنازی چارسوق را دور می زد)
 خاله سوسکه این وسط
 با مینی ژوپ خودش
 دل مردم می برد
 توکوچه اینور و اونور می دوید ، ناز می کرد .
 خلاصه حسابی طنازی می کرد .
 (خرس ور وباه به دنبال خاله سوسکه راه می افتند،
 خرس از صحنه خارج می شود)
 بزه بزاری می کرد
 توی حجره اش سرچارسوق می نشست
 پارچه ها رو زرغ می کرد
 با شاخش پاره می کرد.
 سگه عطاری می کرد
 سگ
 آقاییون بفرمانین .
 خانوما بفرمانین .
 چي چي میل دارین بدم؟
 گل ختمی؟ شیرخشت؟
 مغز بادوم؟ زردچوبه؟
 می خواهین فلوس بدم؟

واسه ي رودل خوبه .
 آخ عتاب نگو !
 عین لپ دختراس
 از سه پسون چي بگم !
 دواي درد شماسست !
 دلتون درد می کنه !
 سرتون گیج می ره !
 پاهاتون چون نداره !
 شبا سرفه می کنین !
 دواتون پیش منه .
 آقايون بفرمانین .
 خانوما بفرمانین .
 کلاغه خبرچینی می کرد
 قاطر نعلبندی می کرد
 آقايون بفرمانین .
 خانوما بفرمانین .
 يك حراج واقعی !
 يك حراج بی نظیر !
 نعلو ارزون کردم !
 باعث آباد بشه نعلو ببین !
 واسه پای خر خوبه !
 واسه پای اسب خوبه !
 خانوما که سم دارین !
 آقايون که سم دارین !
 نعلهای شیک داریم .
 نعلهای آهنی ،
 نعلهای چوبی و چرم ویلاستیک داریم !
 نعلهای نشکن پاشنه کوتاه ،
 نعلهای محکم پاشنه بلند .
 مدل امسال مکزیك داریم .
 نعلهای پنجه پهن ،
 نعلهای پنجه باریک داریم .
 همه آخرین مدل ،
 مال اولین مزون ،
 از روی ژورنال نعل این سزون !
 خانومای با سلیقه می دونن من چي می گم .
 آقايون بفرمانین .
 خانوما بفرمانین .
 روی يك درخت بید شونه بسر نشسته بود ،
 سرشو شونه می کرد .
 روباه ملا شده بود ،
 بچه ها رو درس می داد .
 بدونین ،
 روباه

گوینده

قاطر

گوینده

روباه

تنبلاي پيسواد ! بښښين . (ديگران با کتاب و دفتر پيش مي آيند و به شيوه ي مکتب گرد هم روي زمين مي نشينند) حاضرين ؟ البته	همه
خوب الف ابن ، اب نين ، که آ ابن من الابن ابينا . (ديگران تکرار مي کنند) ب بين بب نين که با بين من البين ببينا . (ديگران تکرار مي کنند خاله سوسکه کتاب زیر بغل با عجله وارد مي شود) د بدو همشيره ! خاك بصرم !	روياه خاله
بازم انگار به کمی دير اومدم . (همه به خاله سوسکه نگاه مي کنند و جابجا مي شوند) بله مثل هر روز . خيلي معذرت مي خوام . خوب حالا بفرمائين . خوب ديگه شروع كنيم (خاله سوسکه مي رود و زیر پاي ميمون روي پله ها مي نشيند) الف دو زير ان و دو زير ان و دو پيش ان . آن ان آن . الف دوزير ان و دو زير ا، و ... خرس رمال گوش کند ! (خرس وارد مي شود) (روباه ناخنهاي خرس را وارسى مي کند . خرس مي نشيند) ... دو پيش ان ، ان . ان . ان .	روياه خاله روياه همه
ب دو زير بن و دو زير بن و دو پيش بن . (ديگران تکرار مي کنند) ب دوزير بن و دو زير و ... خاله سوسکه گوش کند ! (بطرف خاله سوسکه مي رود و مي کوشد خود را به او بچسباند) دو زير بن و ... بن ... بن ... (کلافه) بن !! ... دو پيش بن ! (ديگران تکرار مي کنند) جيم دوزير جن و دو زير جن و دو پيش جن . (بطرف خاله مي رود خاله روي خود را برمي گرداند) جن . جن . جن .	روياه خاله روياه همه

جن ! جن ! جن ! چطو شده ؟ جن آمده ! جن ؟ نه بابا؟ کوش... کجا رفت؟ بگماتم که زیر عباي ملا رفته است . (با وحشت) چي؟ زیر عباي من ؟ واي ! واي ! جن جن جن	روباہ خرس شتر خاله خرس روباہ همه
(روباه از وحشت با لا و پائین می جهد ، کلاس بهم می ریزد و شاگردان دور روباہ می رقصند – رقصی شبیه مراسم سینه زنی . و روباه می گریزد) خوب دیگه لابد همه فهمیدن ، که خرسه رمالي می کرد سرکتاب واز می کرد ، فال می گرفت ، رمل و اسطرلابشو ، توي دستش تاب می داد ، زیر لب دعا می خواند ، دورتا دورش فوت می کرد ، بعد سرفه ای می کرد ، بادی به غیغ می آورد ، که بله همشیره . خوب گوش کن چي می گم . طالعت هست بلند که من امروز شما را دیدم . واقعاً طالع خوبی داري . چون همین الساعه برج تو درقمر است برج عقرب در ماه یا قمر درعقرب (میمون با حالت معترض بطرف خرس می رود) چه تفاوت داره؟ منقلوتن وزقا حیروتن کذباً . حشراتن صفحاتن همه هات ... (دور خاله سوسکه می گردد . خاله سوسکه به سرعت خارج می شود .) گوش کن همشیره لا اله الا الله ! (همه به او می خندند . خرس می رود و می نشیند) خوب اینهم مال خرس دیگه کی مونده ؟ ... بله . خرس سخنرانی می کرد طوطیه شعر می گفت ،	گوینده خرس گوینده

تو مجله چاپ می کرد
 موشه ... صبر کن ببینم
 اوه آره یادم اومد
 موشه هیچ کاری نداشت
 فقط عاشق شده بود
 (موش از بالای پله ها آواز می خواند و پاتین می آید)
 نه دیگه این واسه ما دل نمی شه
 نه دیگه این واسه ما دل نمی شه
 هرچی من بهش نصیحت می کنم
 که بابا آدم عاقل آخه عاشق نمی شه
 میگه یا اسم آدم دل نمی شه
 یا اگر شد دیگه عاقل نمی شه
 (بطرف خرس می رود)
 بش می گم چون دلم
 اینهمه دل توی دنیاست ، چرا
 یه کدوم مثل دل خراب صاب مرده ی من
 پا پی زنهای خوشگل نمی شه؟
 (موش تکرار می کند و بطرف روباه می رود)
 چرا از اینهمه دل
 یه کدوم مثل تو دیوونه ی زنجیر ی نیست ؟
 یه کدوم صبح تا غروب
 تو کوچه ول نمی شه ؟
 (موش تکرار می کند و سپس ادامه می دهد)
 میگه یه دل مگه از پولاده
 که تو این دوره زمونه چششو هم بذاره
 هیچ چیزی نبینه
 یا اگر چیزی دید
 خم به ابروش نیاره ؟
 (بطرف شتر می رود)
 میگم آخه بابا جون
 اون دل پولادی
 دستکم دنبال کیف خودش
 دیگه از اشک چشش
 زیر پاش گل نمی شه
 (موش با اوقات تلخی از او روی می گرداند)
 میگه هرسکه میشه قلب باشه
 اما هرچی قلب شد دل نمی شه
 (موش تبسم می کند و ادامه می دهد)
 نه دیگه این واسه ما دل نمی شه
 (موش از پله ها بالا می رود و ناپدید می شود)
 نه دیگه این دل واسه ما دل نمی شه .
 قورباغه غواصی می کرد
 میمونه رقاصی می کرد

خرس

روباه

موش

شتر

میمون

موش

گوینده

همه رو از خنده روده بر می کرد پته ی مردم نادرستو بر آب می ریخت . (میمون به میان چارسوق می آید و همراه آوازی که می خواند کشت گندم از هنگام افشاندن بذر تا پختن نان با حرکت مجسم می کند. اما در هر حال یکی از اهالی شهر مقداری از دسترنج او را می دزدد) گندم گل گندم گل گندم گل گندم (۲)	میمون
زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲)	همه
گندم می کاریم همچین و همچون گل گندم (۲)	میمون
زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲)	همه
درو اش می کنیم همچین و همچون گل گندم (۲)	میمون
زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲)	همه
آسیاب میبریم همچین و همچون گل گندم (۲)	میمون
زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲)	همه
آردش می کنیم همچین و همچون گل گندم (۲)	میمون
زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲)	همه
ما نون می پزیم همچین و همچون گل گندم (۲)	میمون
زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲)	همه
وقتی می خوریم همچین و همچون گل گندم (۲)	میمون
(می نشیند تا یک لقمه نانی را که برایش باقی مانده بخورد . اما خر پیش می آید و آنرا هم از دستش می قاپد میمون دستهای خالی خودش را تکان می دهد و از طناب خودش بالا می رود و ناپدید می شود) زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲)	همه
تا هفت هشت سال پیش از این یک روزی تنگ غروب فیل اومد به شهر ما (همه با دیدن فیل بطرفی فرار می کنند) مردم شهر همه مشغول کاراشون بودن فیل اومد تموشا کنه افتاد و دندونش شکست . آی .. آی	گوینده
بدونین ای آقایون بدونین ای خانوما پزشک و بیطار بیارین دکتر و جراح بیارین (به محض اینکه مردم شهر فیل را موجودی دست و پا چلفتی و بسیار مودب و خجالتی می یابند ، ترسشان می ریزد و یکی یکی پیش می آیند) اگه شیر خشت می خوای اگه عتاب و سه پسون می خوری جنس خیلی خوب دارم گل ختمی ، گل کاسنی ، بپیچم ؟ نه بابا گل چی چیه ؟ من بدبخت بی دندون دارم اینجا می میرم دسته گل می خوام چی کار ؟ عوضش خودم برات فلیون نی پیچ می یارم	فیل
	سگ
	فیل
	خر

‘ ’

ب ... ب ... بنده ... فی ... فیلم (به دیگران) میگه اسمش فی فیله ! (وارد می شود و روی دستهای خر می نشیند) فی فیل خان بفرما شعر می خونی بسم الله ! قصیده های اعلا غزل بسبک مولا رباعی های کرمون دوبیتی های شیراز چون می ده واسه آواز غزل بسبک سعدی غزل بسبک حافظ شعر سفید یک دست که قافیه نداره رفته برایش بیاره . ولش کن فوقول سواد نداره کسی که سواد نداره اینهمه باد نداره (بلند می شود و بطرف فیل می رود . فیل بطرف سقاخانه فرار می کند . خرس بدنیش می رود و روی پله سقاخانه می نشیند) یا الله ... یا الله خوش آمدی بفرما فالگیر و رمال من اسمتو بگو تا جنتو بگیرم کف بین و رمال من دستتو بده طالع تو ببینم . (دست فیل را می گیرد) نامه داری تو راهه . یک زن لاغر اندام دشمنته ... دشمن رو سیاهه همین روزا پولی به دستت می رسه کدوم پول ؟ پول زیادی که می شه حواله از طرف عمه ، عمو ، یا خاله . بفرمائید که این پول چقدر است ، چطور است ، حلال است ، حرام است ؟ اونشو دیگه چه عرض کنم ... (از بالا) ... بگم من ؟	خر طوطی خر فیل خر طوطی خر طوطی خرس روباه خرس روباه خرس میمون
---	---

خر	خمس و زکوتش را بده حلاله . بغلو بیا نماله ! (همه می خندند)
خرس	عرض شود این کف دست سرکار از این پانین تا بالا درست مئه خیابونای تهرون ترک ترک خورده و خط خط شده سرتاسرش یه تیکه ی صاف و تمیز نداره .
میمون	تیکه ی صاف و تمیز تو دست اون چی کار داره ... ؟ ... پس کجاست؟ اون طرف !
میمون	(خاله سوسکه و موش بالای پله ها درحال رقص هستند) مرحبا ...!..مرحبا ! این خاله سوسکه ی ما چه خوشگله خدایا !
روپاه	اتل و مثل ... چه خیطه
خرس	ترشی خویه یا لیته ؟ البتّه لیتّه لیتّه .
روپاه	کت خویه یا شلیته ؟
خاله	معلومه خوب ، شلیته .
خرس	این دل صاب مرده ی من با ز دوباره دنبال چشمش می ره دنبال قدش می ره دنبال خالاش می ره .
روپاه	این شکم گرسنه ام ...
اسب	... کارد بخوره به اون شکم !
سگ	هی داره مالش می ره .
میمون	کمرش باریک است
سگ	تی تی تاک تیک تیک است .
خرس	شلیته ش هم شلیک است
روپاه	هرچی هست آنتیک است .
بز	چی چی؟ آنتیک؟ بابا می دزدنش !
روپاه	ای بابا
میمون	مگه از عتیقه های تپه ی مارلیک است؟! واخ واخ ، دندونشو ببین این چرا کجه؟ کی می گه کجه ؟ این واسه خراطی خویه . این واسه عطاری خویه واسه ی نمدمالي خویه چطوره فوری بریم یه چینی بند زن بیاریم ؟ چی می گی ، توشهر قصه چینی بند زن کجا بود ؟ پس بریم یه پنبه دوز خبر کنیم .
سگ	

فیل	آخه این عاجه عزیز دل من ، گیوه که نیست ! پنبه دوز می خوام چی کار ؟ (خر و خرس درگوشی باهم صحبت می کنن) پس یه نجار بیاریم
خرس	نچارها اره دارن ، اره ی برنده دارن ، می ندازه اون یکیم از ریشه بیرون می یاره . چی چی ؟ شوخی می کنین ! نه برادر چرا شوخی بکنم ؟ آخه این شد دندون ؟ داشم بچه نشو ،
خر	بذار این دندون بیرخت و کج مضحک رو از دهانت بکنیم .
فیل	چی میگی مرد حسابی ؟ ... این عاج اینکه دندون کج و مضحکيه چون من ... چون شما ... چون همه صد تومن می خریدنش نمی دادمش ! (به خرس نزدیک می شود) بیا اینجا ببینم ... راست می گه و دندونش سربالاست کج و کوله است ... ولی بی همتاست
خرس	چون می ده برای یه دسته چپق .
خر	وای که مردم از درد !
فیل	خوب چرا داد می زنی؟ عیب نداره .
خرس	اگه دکترا نداریم خر خراطه که داریم همین الان مته برق دندوناتو می کنه دسته چپق ای وای مردم ، چه کنم ؟! بشکن و راحتش کن . خوشگلو مقبولش کن . بشکن بشکنه
خرس	زودباش !
همه	دندون منه !
فیل	زود باش
همه	من نمی دارم .
فیل	یا له !
همه	عاج صد تومنه !
فیل	یااله !
همه	(همه گرد فیل حلقه می زنند ، عاج دیگرش را هم می برند و روی سرش کار می گذارند) بله بچه های نازنین من دندونای فیل هردو کنده شد .

خر	(همه از اطراف فیل پراکنده می شوند) آخه فیل شاخ نداره فیل که بی دندون نمی شه من می گم خرطومش زیاده آخه این دماغ نشد این شیلنگه به خدا .
اسب سگ	(روباه جلو می رود) آقایان برن کنار آقایان برن کنار بنده از لحاظ علم الادیان باید از بینی این مرد غریب با چنین هیئت بدقواره ی بد ترکیب دو سه تا نمونه برداری کنم .
فیل شتر	چی آقا ، نمونه برداری ؟ از دماغ من؟ ای بابا غصه نخور تازشم خیلی بخواد از دماغت بکنه پیش این دماغه گنده چی می شه واسه ی شما چه تاثیری داره ، بدرد اون چی می خوره ؟
فیل	بله البته درسته کاملاً . ولی خوب آخه این نمونه برداری لابد درد میاره .
سگ خر	نه بابا درد چیه ؟ مثه آمپول میمونه تابیای حالیت بشه کار تمومه چون تو ، حالا حتما باید از دماغ من نمونه برداری کنین ؟ بله البته چرا ؟ ببخشین ها . یه نمونه ش مال انگشت نگاریست آقا .
فیل سگ	(خر زیر پای فیل می نشیند و خرطوم او را می برد) یکی هم برای سوء سابقه است واسه تعیین هویت دو نمونه لازمه . واسه تحقیق در علم الادیان سه نمونه لازمست
اسب	انقدم بدین به من . ممکنه یه روز بدردم بخوره . انقدم به بنده التفات کنین . اوه قابل نداره
شتر فیل	(اما دیگر از خرطوم چیزی باقی نیست تا به شتر بدهد) هیچی تا بالاخره ، فیل بدبخت یه چیز دیگه شد یه چیز تازه ... یه حیوون عجیب که رو کله ش دو تا شاخ سبز شده بود .
روباه	
گوینده	

دیگه از خرطوم و عاجش اثری باقی نبود
 شده بود مثل یه گاو .
 اما راستش چی بگم ...
 گاو گاوم که نبود
 یه چیزی بود هشلهف ... یه چیز بی سروته
 خلاصه هرچی که بود فیل نبود
 (خارج می شود)
 (مردم شهر هم یکی یکی خارج می شوند . فیل هم به دنبال آنها بیرون می
 رود . خر تنها می ماند . ماسک خود را برمی دارد و بطرف میمون که از طناب پانین می آید
 پیش می رود . قیافه اش رنجیده و غمگین است . قلم و کاغذی به دست میمون
 می دهد تا برایش نامه ای بنویسد . میمون مشغول نوشتن می شود)
 (که چندی به فکر فرو رفته است به خود می آید)
 آره داشتیم چی می گفتیم ...؟... بنویس :
 ما رو دیوونه و رسوا کردی ... حالیه؟
 مارو آواره ی صحرا کردی ... حالیه؟
 آخه مام واسه خودمون معقول آدمی بودیم
 دستکم هرچی که بود آدم بی غمی بودیم ... حالیه؟
 سر و سامون داشتیم
 کس و کاری داشتیم
 ای دیگه ... یادش بخیر !
 ننه مون جورابامونو وصله می زد .
 مارو نفرین می کرد .
 (باتیسم)
 بابامون خدایامرز
 سرمون داد می کشید
 بهمون فحش می داد
 (می خندد)
 با کمربند زمون اجباریش پامونو محکم می بست
 ترکه های آلبالو رو کف پامون می شکست حالیه؟
 (آه می کشد)
 یاد اون روزا بخیر
 چون بازم هرچی که بود
 سروسامونی بود ... حالیه؟
 ننه ای بود که نفرین بکنه
 بعد نصف شب پاشه لحاف رو آدم بکشه
 که میادا پسرش خدانکرده بچاد
 که میادا نورچشمش سینه پهلو بکنه ... حالیه ؟
 (مکت با لبخندی محزون)
 بابائی بود که گاه و بیگاه
 سرمون داد بزنه
 باهامون دعوا کنه
 پامونو فلک کنه .
 بعد صبح زود پاشه مارو تو خواب بغل کنه

اشکهای شب قیلو که روی صورتمون ماسیده بود ،
کم کم بادستهای زیر خودش پاک بکنه ... حالیه؟
(مکث . آه می کشد)
میدونی .
بابامون چند سال پیش
عمرشو داد به شما .
هرچی خاکه اونو عمر تو باشه ،
مرد زحمتکشی بود ...
خدا رحمتش کنه .
ننه هم کور و زمین گیر شده
ای دیگه ... پیر شده
بیچاره ... غصه ی ما پیرش کرد
غم رسوایی ما کور و زمین گیرش کرد ... حالیه؟
اما راستش چی بگم ،
تقصیر ماکه نبود
هرچی بود زیر سر چشم تو بود
یه کاره تو راه ماسیز شدی
مارو عاشق کردی
مارو مجنون کردی
مارو داغون کردی ... حالیه؟
آخه آدم چی بگه ، قریونتم ،
حالا از ما که گذشت
بعد از این اگر شبی ، نصفه شبی ،
به کسونی مته ما قلندر و مست و خراب
تو کوچه برخوردی
اون چشمارو هم بذار
یا اقلا دیگه این ریختی بهش نیگا نکن .
آخه من قریون هیكلت برم
اگه هر نیگا بخواد اینجوری آتیش بزنه
پس باهاس تموم دنیا تا حالا سوخته باشه !
(نامه ی خود را که میمون برایش نوشته است از او می گیرد . گوینده ناگهان
وارد می شود و او با شتاب نامه را در پشت سر پنهان می کند و ماسک خر را
به سر می گذارد)
(وارد می شود) بچه ها سلام ...
... سلام ... سلام
حال شما چطوره ؟
با درس و مشق چطورین ؟
هنوز چولی حلاله ؟
حلاله ... حلاله ...
حال مامان ، حال بابا چطوره ؟
مامان می گه قبولم .
بابام می گه محاله .
بهم میگن درس بخون .

گوینده

دیگران

گوینده

دیگران

گوینده

سگ

خرس

میمون

خر
 گوینده
 سگ
 شتر
 روباه
 میمون
 خر
 دیگران
 گوینده
 سگ
 خر
 میمون
 خرس
 سگ
 گوینده
 دیگران
 گوینده
 نکتی بشی دوساله .
 خوب بچه ها ، کی اسم این شهر قشنگ یادش هست ؟
 آقا ما بگیم ؟
 خاتم ما بگیم ؟
 تون و پنیرو پسته .
 قصه ...
 ... قصه ... قصه ...
 درسته ؟ ... درسته ؟
 معلومه که درسته .
 جایزه تون ...
 یه یخچال ؟
 یه قوری ؟
 رادیوی برق و باطری ؟
 یه رختخواب نشکن ؟
 ساعت ضدضربه ؟
 نج ... نج ... نج ... یه قصه .
 یه قصه ی درسته .
 نه دست و پاشکسته .
 درسته . درسته .
 آره بچه ها ،
 اون قدیما ،
 تو شهر ما ،
 یعنی تو شهر قصه ،
 يك خاله سوسکه ای بود .
 لپاش مئه تربچه .
 دهن نگو ... یه غنچه .
 چش چي بگم یه بادوم .
 که عین شب سیا بود .
 خلاصه خیلی ماه بود .
 مردم شهر که خوب بودن ،
 آروم و مهربون بودن ،
 ساده و بی ریا بودن ،
 بیغش و با صفا بودن ،
 تمومشون ... پیر و جوان ،
 يك دل نه صد دل عاشقش بودن . (مکت)
 سوسك سیاه خوشگل ،
 یه روز صبح ،
 پیرهنشو تنش کرد .
 پیرهن سرخ گل دار .
 چادرشو سرش کرد .
 شلیته پوشیده با شلوار .
 اتل و متل و آلوچه .
 پاشو گذاشت تو کوچه .

با صد تا عور و اطوار اومد میون بازار ... (گوینده خارج می شود - خاله سوسکه وارد می شود) سلام علیکم آبی خانوم . بفرمائید .	خرس
حال شما چگونه ؟ سلام و درد پدرم . خاک به گورم ... خاک به سرم . چه حرفا ؟ چلاق بشی ایشاله ! نزاکنم خوب چیزیه نه و اله !	خاله
آبی خانوم ببخشید اگر جسارتی شد . بنده فقط عرض ادب نمودم . خوب آخه خرس گنده ، آبی خانوم نشد اسم ! پس چی بگم سیا چشم ؟ چه پرو !	خرس
سفیدرو ... سیه مو ؟ سفید بخت ... سیه دل ! یه اسم خوب و خوشگل . یه اسم بگو که اسم باشه . جادو کنه طلسم باشه . به رنگ گندمیم بیاد . به چشم بادومیم بیاد . بهار بشه نسیم بیاد . نگونگو دلم رفت ! این دل غافل رفت ! نیگام بکن چه ماهم . با چشماي سیاهم . دهن دارم یه غنچه ! ابرو دارم کمونچه ! قدم ببین بلند ! گیسم ببین کمنده ! تو که منو شیدا کردی . خوبه منو پیدا کردی . تو که منو رسوا کردی . قفل دلم وا کردی .	خرس خاله خرس همه خاله خرس خرس دیگران خاله دیگران خاله دیگران خرس دیگران خرس

میمون	اتل مثل خلیفه .
خرس	کیسه خوبه یا لیفه ؟
خاله	چطوره بگم ضعیفه؟
خرس	چش نخوري الهي .
خرس	با اینهمه سلیقه !
خاله	پس چي بگم فدایت !
خرس	فدای خاک پایت .
خاله	میتونی بگي عزیزم .
خرس	عزیزم .
خاله	امیدم
خرس	امیدم
خاله	قشنگم ... ملوسم .
خرس	ملوسم ... قشنگم .
	امیدم ... عزیزم
	بیا دورت بگردم .
	به قریونت بگردم .
دیگران	ملوسم .
خرس	بذار لبتو ببوسم .
دیگران	بلورم .
خرس	بذار سرتو بجورم .
	عروسم ... قشنگم .
	عروس شوخ و شنگم .
	تو مال من می شی ؟
خاله	استغفراله !
خرس	عیال من می شی ؟
دیگران	اوه ... اوه ...
خاله	... واه ... واه !
خرس	می دونی چیه ؟
خرس	عزیزم !
خاله	می دونی چیه ؟
خرس	امیدم !
خاله	من زن هرکس نمی شم .
	هرکس و ناکس نمی شم .
خرس	ملوسم ... قشنگم .
میمون	اتل مثل بی جنجال .
	چن گیر می خوای یا رمال ؟
خاله	نه چن گیر و نه رمال .
دیگران	نه اون خوبه نه ایشون ،
	لعنت به هر دوتاشون .
خاله	نه جونم ، نه عمرم .
	من زن رمال نمی شم .
	کاری که رمال می کنه
	صبح تا غروب فال می گیره .

21

رمال می خوای یا ملا ؟	شتر
البته ملا ملا .	
سلام علیکم سوسک سیا .	روباه
حال شما ؟	
سلامتین ایشاله ؟	
کسالتی ندارین ؟	
والده تون چطورند ؟	
رفع سلامتی شد ؟	
واه واه واه چه پررو !	خاله
بیره اون زیونت !	
قربون اون لبونت !	روباه
ابروهای کمونت !	
خودت بگو آمل .	خاله
سوسک سیام می شه اسم ؟	
تربیتی ، نزاکتی ، خجالتم خوب چیزیه ،	
نه واله ! .	
پس چی بگم ؟ خاله قزی ؟	روباه
لال بشی ایشاله !	خاله
تنبون قرمزی ؟	روباه
کوربشی ایشاله !	خاله
تو که منو رسوا کردی .	روباه
رسوا علی الله کردی	
اتل مثل متینه .	میمون
رقیه یا سکینه ؟	
مال سبکتکینه .	دیگران
سلیمه یا حلیمه ؟	میمون
مال ابو عبیده .	دیگران
چطوره بگم زبیده ؟	روباه
ماشاءالله !	خاله
پس چی بگم ؟	روباه
می تونی بگی عزیزم .	خاله
عزیزم	روباه
امیدم ...	خاله
امیدم .	روباه
قشنگم ... ملوسم .	خاله
ملوسم ... قشنگم .	روباه
امیدم ... عزیزم .	
قربانتم الهی .	
کی تو رو قشنگت کرده ؟	
مست و ملنگت کرده ؟	
آتیش به جونت بگیره ولم کن !	خاله
کی تورو ملوست کرده ؟	روباه
کی تو رو عروست کرده ؟	

خاله	خوره به زیونت بگیره ولم کن !
روباه	جان دلم ، آخه چرا همچین می کنی ؟ هی منو غمگین می کنی ؟ دردمو سنگین می کنی ؟ فرار نکن عزیزم ! فرار نکن مامانم ! عروسم ، قشنگم . تو مال من می شی ؟ استغفراله !
خاله	عیال من می شی ؟
روباه	اوه اوه ...
دیگران	واه ... واه !
خاله	می دونی چیه ؟
روباه	عزیزم .
خاله	می دونی چیه ؟
روباه	مامانم
خاله	من زن هر کس نمی شم . هر کس و ناکس نمی شم . امیدم ...! عزیزم ! اتل مثل بی جنجال .
میمون	روباه می خوای یا رمال ؟ نه روباه نه رمال . نه اون خوبه نه ایشون . لعنت به هر دوتاشون ! نه چونم نه عمرم . من زن ملا نمی شم . چرا نمی شی ؟ والله نمی شم بالله نمی شم . کاری که ملا می کنه . لای درو و می کنه . نیگا به بیرون می کنه . نیگا به اینجا ، به اونجا ، به اینور ، به اونور ، به پاتین ، به بالا می کنه . عیاشو دولا می کنه . کنار باغچه می داره . کشک و بادمجون میاره . هی می شبنه کوفت می کنه . نه یک تعارف می کنه نه یک بفرما می زنه . بعد پا می شه میاد بیرون با همسایه ... با صابخونه ، با خربوزه ... با هندونه ،
خاله	
سگ	
خر	
خاله	

شروع به دعوا می کنه .	شتر
محشر کبرا می کنه .	میمون
آجان می یاد ... پلیس می یاد .	شتر
سرباز با تفنگ می یاد .	میمون
تفنگ با فشنگ می یاد .	شتر
بیل می یاد کلنگ می یاد .	میمون
شتر می یاد پلنگ می یاد .	خرس
می گیرنش می برنش کلانتری .	
به جرم فحاشی و ابرو بری .	سگ
وقتی که افسر می رسه ،	
سوال جواب شروع می شه ،	
از بیخ بیخ عرب می شه ،	
فریاد و غوغا می کنه .	
همه چی رو حاشا می کنه .	خر
نه جونم ... نه عمرم .	خاله
منو بکشی ... بالا بری ، پانین بیای	
من زن ملا نمی شم .	
(گریه به هیئت درویشان وارد می شود)	گریه
هو حق چاکرم من .	
درویش ذاکرم من .	
با خرقة ی قلندری .	
با کشکول سلندری .	
وا ه ... وا ه ... وا ه	خاله
زهرمو آب کرد با ریشش .	
قربون خدا با درویشش !	
سلام علیکم چادر زری .	گریه
تنیون قرمزی .	
غنچه دهن .	
گل پیرهن .	
گیس گلابتون .	
ابرو کمون .	
سوسک سیای قد بلند .	
دامن کوتاه .	
کردن هما .	
این شلیته .	
جان شما .	
میدونی چیه	
چشم بادومی ؟	
اسم بدنومی !	
اتل مثل تناهی .	خاله
خودت سوسک سیاهی .	
بقربونت الهی !	گریه
شلیته م مینی ژوپه .	خاله

گربه	چه خوبه ! برم قربون يك همچي شلیته . نه بالاست نه پانین . نه ترشي است ... نه لیته . حالا از اون گذشته ، آدرویش ، با اون خرقه و كشكول ، با اون ریش ، با اون كله ي بیموت ، با اون یا حق و یا هوت ، با اون دنیک و سازت ، با اون ریش درازت . نیگام کن گتایه .
میمون	
خاله	
سگ	
میمون	
خاله	
گربه	
خاله	(گربه رو بر مي گرداند) سفیدی صورتم چون قرص ماهه . دو زولفونم مثال شب سیایه . دو دندونم طلایه . دوتا عاشق دارم یکیش تو رایه . شلیته م که کوتایه . دوتا یاری دارم یکیش سیایه . خونه م میدون شایه . دوچشم نرگست کار کجایه؟ یا شیراز ، یا کرمون . یا تبریز ، یا زنجون . یا خلخال ، یا تهرون . گمونم کار خراطی رشته . گمونم کار مرتاضای هنده . گمونم کار نقاشای چینیه . میگم کار زری بافای یزده . ببینم کار ملاهای قم نیست ؟ یا شاید کار عطاری کاشون ؟ یا کار باغیونهای فسایه؟ نه جونم این دوتاچشمی که اینجاست ، یا کار لاله کارون بیابون ، یا آه مستای میخونه هایه . نه جونم ، نه عمرم ، دوچشم نرگسم کارخدایه . دوتا نومزد دارم یکیش گدایه . سه چارتا خواستگار دارم ماشاالله ! یکیش خیلی بلایه . الان درشهر زیبا کدخدایه .
گربه	
میمون	
سگ	
میمون	
خر	
خرس	
سگ	
بز	
روپاه	
سگ	
طوطی	
میمون	
خاله	
دیگران	
خاله	

سر درویش عاشق بی کلاه . یکیش رفته زیارت ، حالا در کربلايه .	میمون خاله
یکیش یم شاعر چاق و شهیره . زن شاعر نشو شاعر فقیره . یکیش نقاش مشهور و هنرمند ، خوراك نقاشا نون وینیره .	میمون خاله
یکیش ملای بی لا . که خیلی با خدایه ؟ از اون مرده خورایه .	میمون خاله روباه خرس
یکیش رمال بی مال ، که خیلی بی حیایه . خداوندا ، خدایا ، چقدر این خاله سوسکه بی وفایه !	میمون خاله
یکیش يك آدم رند و زرنگه . زن جن گیر نشو بی احتیاطی است ، همیشه چند تا از جناتش تو رایه . یکیش آدم رند و زرنگه . که از بس ناقلايه ، هم الان حاکم شهر فرنگه .	میمون خاله
همون حاکم که دارای تفنگه ؟ تفنگاش پر فشنگه ؟ فشنگای دویست تن ؟ فشنگای دویست میلیون مگاتون ؟ فشنگای عمو سام ؟	میمون خاله
برای پایتی های ویتنام ؟ همون حاکم که اخلاقت سلیمه ؟ همون حاکم که حالاتش حلیمه ؟ که از اقوام شیطان رجیمه ؟ زن حاکم نشو حاکم حکیمه . زبسکی مهربونه ، در اموال همه سهیمه .	خر خرس سگ روباه میمون
یکیش چنگیز خانه . که از آدم خورایه . همش در فکر جنگه . یکیش تیمور لنگه . جفنگه ! یکیش خاقان چینه که مردی نازنینه . حسابش با همه دنیا سوايه . فرستاده پی ام با ساز و آواز . لابد همراه ده میلیارد سرباز ! یکیش آقا محمد خان قاجار .	خاله میمون خاله سگ خاله میمون خاله

دیگران	کند هم جنس با هم جنس پرواز ! (موش بالایی پله ها ظاهر می شود)
خاله	مادر زینت خانوم گیس داره قد کمون از کمون بلند ترک از شقیق مشکي ترک پسوناش انار و به خیمه زده کنار ده به کس کسانم نمی ده . به همه کسانم نمی ده . براه دورم نمی ده . به مرد کورم نمی ده . به کی می ده ؟
میمون	به کسی می ده که کس باشه . قبای تنش اطلس باشه . به مرد رمال نمی ده ؟
خرس	نه که نمی ده .
خاله	به شیخ و ملا نمی ده ؟
روپاه	نه که نمی ده .
خاله	به مرد عطار نمی ده ؟
سگ	نه که نمی ده .
خاله	به مرد خراط نمی ده ؟
خر	نه که نمی ده .
میمون	ای بابا ... وقتی یارو دخترشو - حتی به ملا نمی ده به ، خر بده !! (موش با حالتی عاشقانه به خاله سوسکه نزدیک می شود) به من می ده ؟ سرکار عالی کی باشن ؟ ...
موش	... عاشقم .
خاله	عاشق بی دلم من .
موش	دلت کجاست ؟ ... فنا شد .
خاله	فناي اون چشا شد . کدوم چشم ؟
موش	همون چشم که خوابو برده .
خاله	کدوم خواب ؟
موش	خوابی که ازم فرار کرد .
خاله	کجا رفت ؟
موش	تو باغچه .
خاله	باغچه کجاست ؟
موش	تو باغه .
خاله	کدوم باغ ؟
موش	باغی که تو شهر رویاست .

خاله	رؤیا کجاست ؟
موش	تو خوابه .
خاله	کدوم خواب ؟
موش	همون خواب که از چشم رفت .
خاله	کدوم چشم ؟
موش	همون چشم که غرق آب شد .
خاله	کدوم آب ؟
موش	همون آب که سیل آورده .
خاله	کدوم سیل ؟
موش	همون سیل که اشک آورده .
خاله	کدوم اشک ؟
موش	همون اشک که از چشم ریخت .
خاله	کدوم چشم ؟
موش	همون چشم که غرق خونه .
خاله	کدوم خون ؟
موش	همون خون که از دل اومد .
خاله	کدوم دل ؟
موش	دلی که اسیر زلفه .
خاله	کدوم زلف ؟
موش	زلفی که چو شب سیاهه .
خاله	کدوم شب ؟
موش	همون شب که تو چشاته .
خاله	کدوم چشم ؟
موش	همون چشم که مسته مسته .
خرس	نگو که دلم شکسته .
	(بغض می ترکد)
موش	همون چشم که پر شرابه .
خرس	نگو که دلم کیابه .
موش	چشی که همیشه امیده .
خاله	امید کجاست ؟
موش	برآیه .
	(به آهنگ روضه خوانی .)
روپاه	نگو که حالم خرابه .
	گریه کنین ... مسلمانون ...
	گریه کنین ... ثوابه .
خر	قربون گریه ت برم .
روپاه	همون شب اول قبر که موقع جوابه
	هم روز محشر که حساب کتابه
	ثواب این گریه بی حسابیه .
میمون	بابا برو فکر نون باش .
	گریه ی ملا آیه !
روپاه	آخ ... باجی اون بچه رو ساکت بکن .
شتر	نگو که دلم کیابه .

روپاه	گریه کنین ... مسلمونون .
میمون	گریه کنین ... ثوابه .
خاله	خاتوم خوشگله ، تو دیگه چته ...
میمون	... چیزیم نیست .
خاله	پس دیگه این اشکا چیه ؟
میمون	... ملا می گه ثوابه .
	ولش کن ،
روپاه	ملا حالش خرابه !
خرس	دهن داره به غنچه .
روپاه	قربون اون دهن برم که غنچه ست !
خرس	ابرو داره کمونچه .
موش	لپاش مئه تربچه .
	عزیزم ... امیدم
	گریه نکن ... سفیدیات پاک می شه .
	چشای زیبای تو نمناک می شه .
	بیا بریم ... بیا بریم .
	(موش دست خاله سوسکه را می گیرد و خارج می شوند .
هم یکی یکی خارج می شوند .)	
میمون	(آواز می خواند)
	میروی و مرگانت فتنه ها می انگیزد .
	می روی و می ریزی خون خلق و میدانی .
	خدا منو قریونت کنه ایشا اله قربون چشمونت کنه ایشا اله
	کجا می ری فلونی ترسم بری و بمونی
	دین و دل به یک دیدن ، باختیم و خرسندیم .
	د ر قمار عشق ای دل کی بود پشیمانی
	خدا منو قریونت کنه ایشا اله قربون چشمونت کنه ایشا اله
	کجا می ری فلونی ترسم بری و بمونی
	زاهدی به میخانه سرخ رو زمی دیدم .
	گفتمش مبارک باد بر تو این مسلمانی
	خدا منو قریونت کنه ایشا اله قربون چشمونت کنه ایشا اله
	کجا می ری فلونی ترسم بری و بمونی
	زلف واکل اورا تا بیاد میارم می نهم پریشانی بر سر پریشانی
	خدا منو قریونت کنه ایشا اله قربون چشمونت کنه ایشا اله
	کجا می ری فلونی ترسم بری و بمونی
	(میمون از طناب خود بالا می رود صحنه تاریک می شود)

پرده دوم

(مردم شهر قصه هریک سرگرم کار خود هستند . صدای ابزار آنها با ریتم $\frac{6}{8}$ در زمینه ادامه دارد . گوینده از ضلع راست صحنه – بالای پله ها – ظاهر می شود و حین صحبت پانین می آید و وارد صحنه می شود)

گوینده	بچه ها ... سلام علیکم حال و احوال چگونه ؟ همه تون خوب و خوش و سلومنتین ؟ درسهارو می خونین ؟
خرس سگ	چی خانوم ؟ ... شما چه حرفا می زنین . ما از اون صبح سحر تا بوق سگ خیلی همت بکنیم ، بتونیم دوتا کلوم انگلیسی یاد بگیریم .
گوینده خر	انگلیسی ؟ ... واسه چی ؟ ای بابا ... معلومه خوب . آخه نا سلومنتی مام باهاس نون بخوریم .
گوینده	(گوینده با تعجب سرش را می خارد) من درست نفهمیدم ... ببخشین ها . مگه نون تو شهر ما قحطی شده که شما درستونو ول بکنین صبح تا شب اینهمه زحمت بکشین که به جای نون سنگ ... مثلا نون تست انگلیسی بخورین ؟ نه خانوم ... حواس سرکار کجاست ؟ نون جوم از سر ما زیادیه ! آره قریون ، می دونین ! ما داریم صبح تا غروب این در و اون در می زنیم
میمون سگ	

۳۱

گوینده	... بفرمانید
خرس	خوب اندازه ابعاد بدن :
	سینه ... ؟
گوینده	... صد .
خرس	... دور کمر ... ؟
گوینده	... پنج و سه چارم ...
خرس	... باسن ؟
گوینده	سپید و شصت ...
خرس	زیاد است !
روباه	بابا اون با من !!
	(خرس و روباه درگوشی باهم مشورت می کنند)
خرس	راستی همشیره
	حضرت علیه
	انگلیسی بلدین ؟
گوینده	نه آقا ...
خرس	... نج ... نج ... نج .
	خیلی بد شد ...
گوینده	... د ... چرا ؟
خرس	خوب ، آخه مخالف قانونه
روباه	دختری که انگلیسی ندونه سکرتره
گوینده	خوب پس مرحمت شما زیاد .
	(بر می گردد)
خرس	حیف شد ! . کلفت مطبوعی بود .
	(آهی کشید . به جای خود مینشیند . گوینده به میمون سر تکان می دهد)
گوینده	مثه اینکه ... ظاهراً حق با شماست .
	(میمون سری تکان می دهد و از طناب بالا می رود)
	بگذریم .
	بچه های خوب من
	حالا کم کم بریم سراغ کار خودمون .
	براتون گفته بودم .
	که در ایام قدیم ،
	میون جنگل سبز ، لای درختای قشنگ ،
	شهر باصفایی بود .
	دور تا دورش گل سرخ ،
	روبروش کوه بلند ،
	با چمن های وسیع ،
	که پر از شاپرک .
	اسم این شهر قشنگ ،
	شهر قصه بود ...
بچه ها	... یادتون نره .
گوینده	آره بچه های من .
	توی شهر قصه هم ،
	مثه هر جای دیگه ،

هرکسي يه کاري داشت .
 خره خراطي مي کرد .
 اسبه عطاري مي کرد .
 بزه بزازي مي کرد .
 سگه عطاري مي کرد .
 دارکوب نجاري مي کرد .
 شتر نمذ مالي مي کرد .
 ولي از وقتيکه ،
 چيزهايي از قبيل کينگ
 ديگه کم کمک مي افتاد از مد ،
 ديگه حتي چوپونام ،
 چاي اون کلا نمذي ، شاپو مي داشتن سرشون ،
 شتر از ناچاري ،
 براي مردم شهر قصه نقالي مي کرد .
 جغد نقاشي مي کرد .
 غم تنهائي شو ،
 چاي تابلو قاب مي کرد .
 طوطيه شعر مي گفت ،
 تو مجله چاپ مي کرد .
 خرسه رمالي مي کرد .
 روباه ملا شده بود ،
 بچه ها رو درس مي داد .
 قاطر نعلبندي مي کرد .
 مورچه هم رون ملخ را بر مي داشت ،
 از وسط نصف مي کرد .
 نصفشو مي داشت تو يك ظرف قشنگ ،
 واسه حضرت سليمون مي برد .
 نصفه ي دومشم شخص خودش نيش مي کشيد .
 يعني تا موقع شام يه کمي ته بندي مي کرد .
 (د ر تمام طول گويندگي همه حيوانات جز ميمون سخت از روي کتاب دارند
 انگليسي مي آموزند . روباه و خرس درجهت عکس يکديگر در امتداد صحنه
 راه مي روند و لغت از بر مي کنند. روباه در اين لحظه به گوينده نزديک مي
 شود و حرف او را قطع مي کنند)
 اکسيوزمي... يعني معذرت مي خوام .
 (به تماشاگر) با اجازه ...
 (به روباه)
 ... چيه قريون چي شده ؟
 پول خرد اگر دارين
 دو قران يا سه قران
 تحت عنوان قرض الحسنه
 تا شب جمعه به من لطف کنين .
 (خحالت زده و دستپاچه)
 واله ... بي رو درواسي

روياه
گوينده

روياه

گوينده

جیب ما پاکتر از ریش شماست (کیف خود را می گشاید و به او نشان می دهد) دریغ از یک پایاسی ریلی؟ ... ای میپاسیل! (جلو می آید به روباه) آخه مای دیر... یوسی؟ نون چارکی سه عباسی آدم مفلس را چون من	روباه میمون
شب که می رم توی خونه قافا می خواد نونش می دم می گه تا کی سر بکنم اکبری به به می کنه می خوره و اه اه می کنه چادر نماز کرباسی؟	بز
روغن سیري چار عباسی آدم مفلس را چون من پنیر سیري سه عباسی وا می داره به رقاصی	میمون
فاطمی میون گهواره ماد ریچه ها می ره می بینه فاطمی مشغول گشنشه عرعر می زنه گهواره را سر می زنه سرسری است و دسی دسی	بز
شیر چارکی چار عباسی بچه رو توی گهواره شکر سیري سه عباسی وا می داره به رقاصی	میمون
خوبه که بنده هم برم یا بروم تو سینما اگر که اکتوری نشد چرا خجالت بکشم مدتی دکتری کنم هرشب اکتوری کنم مشق ریسمانی کنم یا بکنم رو دروایی؟	خر
یونجه سیري سه عباسی آدم مفلس را چو من جو چارکی چار عباسی وا می داره به رقاصی	میمون
کبریت یکی یک عباسی قند سیري سه عباسی هیزم منی پنج عباسی جارو یکی دو عباسی روغن سیري چار عباسی کالک منی شش عباسی	گوینده
مؤمن پیر وسواسی آدم لا تو راس راسی بگذریم . قورباغه قواصی می کرد . میمونه رقاصی می کرد . (خاله سوسکه با سبدي که پر از میوه است از خرید باز می گردد . مقابل دکان عطاری می ایستد . سگ مدتی به او خیره می شود و بالاخره جنس مورد نیاز را می پیچد و با حواس پرتی به دستش می دهد .)	میمون گوینده

خاله سوسکه که دیگه معلومه ،
این وسط نازی می کرد ،
دل مردم می برد ،
باهاشون یه قل قل دو قل بازی می کرد .
(سر بر می گرداند و به گوینده چشم غره می رود)
آره تا چشم حسود بترکه !
(می خندد)
دیگه کی مونده ؟ ... بله .
روی یک درخت بید ، شونه به سر نشسته بود ،
سرشو شونه می کرد .
ماره آبستن بود ،
هوس پونه می کرد .
سرچارسوق یه پلنگ مغازه کبابی داشت .
گوشت های تازه و شیک می آورد ،
همه رو با پرمنگنات می شست .
زیر ناخونهاشو
با یه مسواک بزرگ ،
کاملاً ضد عفونی می کرد .
آتش منقلشو تیز می کرد .
چشاشو ریز می کرد .
با نگاه مهربونی به صف مشتری ها خیره می شد .
می نگریست !
خیره می شد !
می نگریست !
خیلی خوب می نگریست .
بله .
هیچی ، گوشتها رو آنچنان کباب می کرد ،
که دل هر وجتارین از اون آب می شد
آقا نوبت منه .
آقا نوبت منه .
آقا نوبت منه .
بعد وقتی که کباب .
کاملاً حاضر و آماده می شد ،
همشو خودش می خورد .
(صدای خرناس پلنگ و همهمه و کتک خوردن سگ)
موشه طفلکی فقط کاری نداشت ،
آخه عاشق شده بود .
تو مارو دیوونه کردی
خونه مو ویرونه کردی
تو مارو آواره کردی
تو مارو بیچاره کردی
من از اون چشما می ترسم .
من از اون لبها می ترسم .

خاله

گوینده

روباه

گوینده

روباه

گوینده

روباه

گوینده

روباه

گوینده

روباه

خر

سگ

گوینده

موش

از اون دو تاجشم سیا می ترسم .
 می ترسم ، می ترسم ، می ترسم ،
 آی به خدا می ترسم .
 هی اون چشارو توو بده .
 هی خودتو تلو بده .
 اوطو اوطو اوطو اوطو اوطو اوطو
 اوطو بده .
 هی دلمو الو بده ،
 با چشات ، با چشات ، با چشات .
 با چشات ، با چشات ، با چشات .
 خونه مو خراب کردی .
 خونه ت خراب ای دل .
 چشمو پر آب کردی .
 چشت پر آب ای دل .
 دل ای دل ای دل ای دل ای دل ای دل
 دلمو کیاب کردی ،
 دلت کیاب ای دل .
 دل ای دل ای دل ای دل .
 دل ای دل ای دل ای دل .
 تو مارو دیوونه کردی
 خونه مو ویروونه کردی
 تو مارو آواره کردی
 تومار و بیچاره کردی
 دل ای دل ای دل ای دل
 دل ای دل ای دل ای دل
 (خارج می شود)

گوینده

آره بچه های من .
 یادتون هست هفت هشت سال پیش از این .
 یه روزی تنگ غروب
 فیل اومد به شهر ما ، ... یعنی کجا ؟
 یعنی شهر قصه ها .
 مردم شهر همه مشغول کارشون بودن .
 فیل اومد تموشا کنه ،
 افتاد و دندونش شکست .
 همه ی مردم شهر ،
 دور فیل جمع شدن .
 اما افسوس ... در این شهر قشنگ ،
 نه کلینیکی بود ،
 نه دواخونه نه بیمارستان .
 تا برن دندون فیل و سر جاش کار بذارن .
 مردم شهر که خیلی خیلی خوب بودن .
 ساده و مهربون بودن .
 دلشون خیلی سوخت .
 اون یکی دندون فیلم کندن ،
 کار گذاشتن رو سرش .

بعد خرطومش از بیخ بریدن... به حساب خواستن فیله رو خوشگلش کنن.	
(گوینده خارج می شود)	
خیلی از لطف شما ممنونم .	فیل
می دونم .	خر
بنده از این همه لطف	فیل
راستی راستی خجالت می کشم .	
اصلا حرفشو نزن .	خر
این چیزا تو شهر ما معمولیه .	
شهر ما به شهر ایده آلیه .	طوطی
آره ... خیلی عالییه .	فیل
مردمش مردمدار .	میمون
همه خوب و مهربون .	
چشمشون در انتظار مهمون !	
همه پاک و بی ریا ،	شتر
همه در صلح و صفا .	
ما تو این شهر قشنگ به دونه ملا نداریم .	بز
دزد و جیب بر نداریم .	خر
شاغر پفیوز و جلمپور نداریم .	میمون
رمال مفت خور نداریم .	طوطی
حاجی نزول خور نداریم .	روپاه
خوب داداش	خر
دیگه کاری نداریم؟	
دیگه چیزی نمی خوای ؟	بز
خیر قربان شما .	فیل
نکنه به وقت تعارف بکنی ؟	سگ
نه به جان سرکار .	فیل
گل ختمی ... گل کاسنی ... پرزوفا ... شیرخشت ؟	سگ
بپیچم ؟	
نمی خوام ... میل ندارم .	فیل
ما بریم بلکی به کاری بکنیم .	شتر
دو قرون گیر بیاریم .	
خوب ، موفق باشین .	فیل
مام بریم دنبال کار خودمون .	خر
راستی گوش کن چی می گم ،	
اگه عشقت می کشید ،	
به سری به ما بزن .	
می دونی آدرس چاکرت کجاست .	
بله قربان ... می دونم .	فیل
یادتم رفت داداش عیب نداره .	میمون
اینجا از هرکی پرسیدی کی خره؟	
بت میگه خر خودتی !	
(خنده دسته جمعی)	

خر
خیلی بیجا می‌کونه !
ایشونم خیلی غلط کرده بخواد خر باشه !
(به فیل)
آقا باس ببخشین ها .
بهتون برنخوره .
(به دیگران)
توی این شهر فقط یک خر هست ،
که اونم چاکرته !
(به فیل)
گوش کردی داشم ؟
اگه یه وقت هوس کردی که با این دوتا شاخ
چیپی ... قلیونی ،
قاب عکسی ... چیزی درست کنی ،
صاف می‌یای پیش خودم .
چون تو شاخهای نابیی داری .
آقا این عاچه ...
... آره معلومه .
ما که گفتیم شاخ خوبی داری .
جنسشم از عاچه .
عاجشم ای بد نیست .
خوب فقط قدری کج است .
چطوره بدیم به خراط که صافش بکنه ؟
می‌خواهین روش گل و بته بندازم
یا باهاش دسته چیق درس کنم ؟
آقا معذرت می‌خوام ... اگر جسارت نباشه ،
بنده می‌خواستم از شما تمنا بکنم
که اگر موفقین
بذارین این دوتا شاخ همین جوری کج بمونه .
بابا ای واله ، تو هم خیلی الاغی به خدا !
(می‌رود)
خوب ، پس جنابعالی فیلین ؟
بله قربان فیلم .
خیلی هم ،
از ملاقات شما خوشوقتم .
این یارو چرند میگه .
مثلا می‌خواد به ما برگ بزنه .
یکی نیست بهش بگه
بعد چل سال گدایی ما دیگه
شب جمعه یادمون هست داداش !
نه آقا جان شما
بنده فیلم بع خدا .
من همون بدبختم
که شماها خودتون

فیل

خر

روباه

سگ

خر

فیل

خر

خرس

فیل

خر

فیل

دور هم جمع شدین
خیل یزحمت کشیدین
منو خجالت دادین
دندونامو کندی
کار گذاشتین رو سرم
بعذشم خرطوممو
که به اون قشنگی بود
مته کالیاس بریدین ... اگه نه
من بدبخت همون فیلم ، فیل !
(همه و خنده دیگران)
که شما فیل هستین ؟
خوب آقا ،
ممکنه بفرمائین .
مدرکی ، قباله ای .
سند مستندی همراهتونه ،
که به ما نشون بده جنابعالی فیلین ؟
نه جونم .
من بدبخت بی دندون اومدم
دیدن پسر عمویم .
به حساب
اومدم مهمونی .
خوب آدم وقتی میره مهمونی
سند و شناسنامه نمی خواد .
دیدن پسر عمو قباله لازم نداره .
نه برادر چی می گی ؟
راس راستی دلت خوشه ؟
توی این دور و زمونه هرجا ... هر گوشه ای
اگه آب یخ بخوای کوفت کنی ،
باهاس اول سند و معافی و عکس و سچل نشون بدي !
(همه و خنده - روباه با موتو رسیکلت وارد می شود)
آقایون برن کنار .
آقایون برن کنار
(به فیل)
خوب برادر حالا تعریف بکن .
چی شده ؟ عیال سرکار کجاست ؟
کی می خوای
صیغه ی طلاقو جاری بکنم ؟
چی ؟ طلاق ؟
بله خوب ، معلومست .
من دراین کار تخصص دارم .
بخصوص طلاق سرکار که جایی خود دارد .
یک چنان صیغه ی پرسوز و گدازی بخونم ،
که همینجا بشینی

خرس

فیل

میمون

روباه

فیل

روباه

هاي هاي گريه کنی .
 اوه نگو ، بنده همین الساعه
 داره گريه م مي گيره .
 باجي جان گريه نکن .
 (به فيل)
 خوب حالا بفريمانين
 چه مدل طلاق لازم دارين ؟
 چي چي فرمودين ... ؟
 ... هيچي جاتم .
 چرا دستپاچه شدي ؟
 خوب آخه طلاق چندين مدل است .
 مي خوايین طلاق رجعي بدهيد .
 يا طلاق خلعي ؟
 نوع اول يه کمي خرج دارد .
 ولي البته دوامش خوب است .
 جنسشم مرغوب است .
 واسه ي سرکار استثنائاً
 پانزده درصد تخفيف مي ديم ...
 ... دست شما درد نکنه .
 نوع دوم که طلاق خلعي است ،
 خيلي خاصيت دارد .
 واسه رودل خويه ؟
 بي سواد احمق !
 تو رو مي گن عطار ؟
 بگذريم .
 نوع سوم که خودش شش مدل است .
 خيلي خوب و خوشگل است .
 آخه من ...
 ... گوش بده حرف نزن .
 آخ اقا
 از طلاق نوع سوم چي بگم ؟
 نوع سوم ديگه محشر مي کنه .
 قريان نوع سومش .
 نوع سوم سه طلاقه است اقا
 که ديگه
 بي محل نمي شه کاري کرد .
 آخ نگو
 چگرم مي سوزد !
 نوع سوم خويست !
 نوع سوم عاليست !!
 آقاچون ،
 توي اين شهر قشنگ ،
 بهتر از بنده محلل ديگه پيدا نمي شه .

خرس

روباه

فيل

روباه

فيل

روباه

سگ

روباه

فيل

روباه

خر

روباه

خرس

سگ

خر

روباه

خرس گوش کن چي بهت میگم .
شما هر ثانیه ، هر دقیقه يك محلل خبره بخوای
یه خبر به من بده
دیگه کاریت نباشه .
روپاه برو گمشو بی سواد
خرس محلل نمی شه !
فیل آقا جون
بنده اصلا نه عیالی دارم
که بخوام طلاق بدم ،
نه اصولا اگه زن داشته باشم طلاق می دم ،
که بخوام براش محلل بگیرم !
عجبا ... عجبا !
روپاه حیرتا ... حیرتا !
(آهسته تر با فیل)
خود من محلل شبانه روزی هستم
با جواز رسمی شماره هشتصد و بیست .
همه جور سفارشات ،
در تمام ساعات ،
همه در اسرع وقت ،
طبق آخرین متد ، توسط خبره ترین محللها قبول می شه .
خر راس می گه جون شما .
خود بنده یه عیالی داشتم .
مثه یه دسته گل .
که همین آقا واسم عقدش کرد .
بعدشم انقده زیر پام نشست ،
تا طلاقش دادم .
دو سه روز بعد اومد واسطه شد ،
که من و عیالمو آشتی بده .
انقده گفت که ما خام شدیم .
این اقام فی المجلس
صیغه ی عقدمونو جاری کرد .
من بدبخت دوباره شوهر زنم شدم .
سرتو درد نیارم ،
تا حالا سی دفعه ایشون واسه من
زنمو عقد کرده ،
دوباره طلاق داده !
اوہ بله ، یادم هست .
روپاه بنده يك دوره ی استاز می دیدم .
یه کسی لازم بود ،
تا خود من عملا مباحث علمی را
روش تمرین بکنم .
فکر کردم که تو این دور و زموئه چه کسی
ممکنه زن بگیره ؟

دیدم از خر بهتر شوهر پیدا نمی شه .
 یعنی خوب . وقتی آدم خر نباشه
 دیگه شوهر نمی شه .
 چطو شد نفهمیدم !
 خر
 پس یعنی می فرمانین
 بنده و زنم برای سرکار
 شده ایم لایر اتوار ؟ !
 (به روباه حمله می کند)
 بگیرم همچی بگویم تو مخش ... !
 (دستپاچه) نه آقا ببخشینش ، ولش کنین !
 خرس
 صلوات بفرستین .
 خر
 لا اله الا الله !
 (شترکه پرده قلمکار مجلس شیرین و فرهاد را از دکان خود آورده ، آنرا به دیوار می آویزد و شروع به نقالی می کند .)
 شتر
 خوب ، حالا گوشاتونو واز کنین .
 هرکسی مریض داره ،
 هرکسی قرض داره ،
 هرکسی یه گرهی تو کارشه ،
 هرکسی دلش می خواد
 قبر جدم را زیارت بکنه ،
 یه دقه ساکت و آروم بشینه
 دل بده ، گوش کنه .
 خر
 ای بابا ، دل کجا بود ؟
 میمون
 ما دیگه دل نداریم ،
 که به سرکار بدیم .
 خرس
 از همون روزی که ،
 خاله سوسکه با مینی ژوپ خودش ،
 پاتو این شهر گذاشت ،
 دیگه یک دل توی این دیار پیدا نمی شه .
 شتر
 (به کار خود ادامه می دهد)
 اینکه اینجا می بینی شیرینه .
 داره توی چشمه بازی می کنه .
 خرس
 آخ چه نازی می کنه !
 روباه
 آب تنی کردن شیرین چقدر شیرینه !
 شتر
 اون که اونور می بینی فرهاده ،
 که دلش خونینه .
 میمون
 عشق فرهاد به شیرین آقا ، خیلی نقل داره .
 (به عنوان شاگرد مرشد به میدان می آید)
 خوب آمرشد ، حالا تعریف بکن ،
 اون کیه اونجا نشسته روی اسب ،
 مته آرتیستهای فیلم ،
 داره از بالایی کوه
 قاچاقی دختره رو دید می زنه ؟

شتر اونکه اونجا یه وري ،
 پله داده روي اسب ،
 داره شیرینو تماشا می کنه ؟
 میمون آره مرشد خودشه ... همون جوون رعنا ،
 که داره خیار چنبر می خوره .
 شتر بچه مرشد ... چی می گی ؟ ... خیار چنبر کجا بود ؟
 میمون پس آمرشد تو بگو ،
 اون چیه یارو داره گاز می زنه ؟
 شتر اسم اون چیزی که این شخص گذاشته رو لبش ...
 خر چپقه ؟
 میمون ... نی لیکه ؟ ...
 شتر ... نه چون من ، انگشته .
 میمون بابا ول کن مرشد ،
 مگه انگشت آدم خوراکیه ،
 که یارو عین بلال ،
 داره گازش می زنه ؟
 شتر ای بابا ،
 بچه مرشد ندیدم انقده کودن باشه .
 میمون اونکه اون جوون زیبا به لبش برده آقا ... انگشته .
 د ... آمرشد ، مگه دیوونه شده ؟
 آخه انگشت مال کار دیگه ست .
 نه برای خوردن .
 شتر آقا جون برات حکایت بکنم .
 این جوون رعنا ،
 با چنین خال سیاه ،
 با چنین ابروی پیوسته و بازوی کلفت ،
 داره انگشت به دندون می گزه .
 بچه مرشد . تو بگو ،
 اون چه انگشتیه که آدم به دندون می گزه ؟
 میمون خوب جناب مرشد ،
 این دیگه معلومه ،
 اون انگشت حیره .
 شتر شیر مادرت حاله باشه .
 این که این شخص به دندون می گزه ،
 انگشت حیره .
 بچه مرشد ، بگو حیرت از چی ؟
 میمون حیرت از چی مرشد ؟
 شتر حیرت از خوشگلی این دختر ،
 که به این شیرینی است .
 حرکاتش شیرین .
 سکناتش شیرین .
 لب لعلش شیرین .
 سخنانش شیرین .

اسم اون جوون رعنا ... خسرو ،
 اسم این دختر زیبا شیرین .
 آخ چقدر شیرینه !
 عین یک دسته گل نسرينه !
 (با روباه مشورت می کند - اما نگاهش را زپر دا بر نمی دارد)
 چطوره منم برم لخت بشم ،
 به هوای آب تنی برم جلو ،
 با ندیمه ش سر حرف و وا کنم .
 بعد بیرسم خانومش میل داره صیغه بشه ؟
 آخ خدایا برسان !
 آگه شد بساطمون رنگینه !
 چي مي گي احمق جان ؟
 مگه از جان خودت سیر شدی ؟
 مبادا بری جلو !
 خسرو از بالای کوه می بیند !
 (ترسیده)
 نه بابا ؟ ...
 ... جان شما .
 خیلی هم غیرتیه .
 (از ترس نفسش بند آمده)
 از سیبیلش پیداست !
 مشتشم سنگینه .
 (شتر به کار خود ادامه می دهد)
 نیگا کن بازو چیه ؟ پولاده .
 نیگا کن چشم چیه ؟ شاهینه .
 تموشا کن توی مشتش چي چیه ؟
 خنجر زرینه .
 ترك اسپش چي چیه ؟ ...
 ... شمشیره ! زوبینه !
 (درحالیکه شکم خود را گرفته است با عجله دور می شود)
 بعد خدمت می رسم ..
 ... کجا می ری ؟ ...
 کابینه !!
 (روباه رندانه می خندد)
 اونکه اونور می بینی فرهاده .
 اونکه از فرق سرش تا نوک پاش خونینه ؟
 فهمیدم خیلی حواست جمعه .
 آره جونم ، خودشه .
 اون یارو فرهاده .
 عاشق شیرینه .
 خوب ، بفرما مرشد ،
 کی با اون تیشه به فرقش کوبیده ... ؟
 ... دست خودش .

روباه
خرس

روباه

خرس

روباه

خرس

روباه

شتر

میمون

شتر

میمون

خرس

روباه

خرس

شتر

میمون

شتر

میمون

شتر

میمون	چی می گی جناب مرشد ؟ آخه دست ، با رفیق آدم فرق داره . رفقا معمولا ، خنجر از پشت به آدم می زنن . دست آدم که دیگه دشمن آدم نمی شه . ای بابا .
شتر	دل و چشم و دست ما دشمن مان . اگه نه خنجر دوست ، که تو تاریکی به پشتت می شینه ، سنتی دیرینه . (با آواز)
میمون	هیچ خنجر دیگه پیدا نمی شه ، که شبی پشت رفیقی رو سوراخ نکرد . هیچ پشتی دیگه نیست ، که تو کتفش اثر زخم به خنجر نباشه . ای دیگه ... عاقبت آدم عاشق اینه . حالا من ،
شتر	یه دونه مرد جوونمرد می خوام ، که از اون گوشه ی این معرکه دست بالا کنه ، بنده رو صدا کنه ، دست سخاوت توی جیب پهلو دستیش بکنه . هرچی به چنگش می رسه ، از یه تومن تا صد تومن ، بیشتر شد نمی خوام مال خودت ، به نذر این فقیر اولاد شتر بندازه اینجا و چراغ اولو روشن کنه . (جمعیت به سرعت پراکنده می شوند فیل سکه ای از جیب بیرون می آورد و بطرف شتر می اندازد شتر نمی تواند باور کند و بعد فیل تمام پولهای خود را به طرف شتر می اندازد) خیلی محظوظ شدم ...
فیل شتر	 د د د ... دست شما درد نکنه . (ناگهان سکوت مطلق حکم فرما می شود جمعیت با حیرت بسیار بر می گردند و با دهان باز و نگاههای کنجکاو به این صحنه می نگرند) برو ای جوان که صد مقابلش جدم خودش بهت عوض بده . (پول را بالا نگاه می دارد و به همه نشان می دهد) آقا این جیفه ی دنیاست ... چه ارزش داره ؟ اینا جز بار گناه و معصیت چیزی نیست . با اینا فقط می شه آتیش دوزخ رو خرید . به خدا با این پول فقط می شه ، نیش مار غاشیه ، روز صد هزار سال ، گرزهای آتشی ... عذاب دوزخ رو خرید ،

آقایون هرچی از این جیفه ی دنیا تو جیبهای شماست، بریزین دور.... ! به چون خودتون رحم کنین ! به خدا قسم که جد اشترم ، یک در این دنیا صد در آخرت بهتون عوض می ده شماها نمی دونین آتیش دوزخ یعنی چی ؟ روز صد هزار سال ، گرزهای آتشین	
(فیل ناگهان از تصور عذابهای وحشتناک دوزخ به گریه می افتد و با شتاب همه ی جیبهایش را جستجو می کند و تمام پولهایش را جلویپایش به زمین می ریزد. جمعیت با چشمهای ازحقه درآمده و نگاههای وحشیانه آرام آرام نزدیک می شوند. شتر بدبخت وضعی دارد بدتر از آنها . انگار که دچار برق زدگی شده است.)	
آقا از شما تشکر می کنیم ، که منو از این همه شکنجه و بدبختی ، این همه عذابها ، گرزهای آتشی ، نیش مار غاشیه ، روز صد هزار سال، یکدفعه راحت کردین نجات دادین . من در این دنیا فقط یک دونه دندونم شکست، چه عذابی کشیدم ... فقط خدا می دونه ! حالا فکرش را بکن ، که تو اون دنیا بخوان بازم شکنجه ام بکنن. آخ خدایا ... دیگه بسه ... ! دیگه طاقت ندارم ! (به خود می آید)	فیل
برو ای جوون ... خدا پشت و پناهت باشه . مطمئن باش که جد اشترم ، اشتر اشترها ،	شتر
روز محشر سند و قباله و چک می یاره، اگه مجکوم شدی فی الفور ضامنت می شه. خیلی از لطف شما و جدتون ممنونم . اما باور نکنین که هیچ راضی نمی شم، که شما و جدتون اینقدر زحمت بکشین .	فیل
(بی حوصله)	شتر
برو جونم ... برو فکرشم نکن .	فیل
(با شرمندگی) آخه بنده ...	فیل
(عصبانی)	شتر
... د برو ! اوه بله البته .	فیل
خوب دیگه ... مرحمت شما زیاده. لطفتون پاینده	شتر

(فیل تعظیم کنان خارج می شود . چند لحظه سکوت. جمعیت با قدمهای سنگین و تهدید آمیز به حلقه گرد شتر و پولها را تنگ تر می کنند. شتر ناگهان خود را بر روی پولها می اندازد و می کوشد هرچه بیشتر ممکن باشد از آنها به چنگ بیاورد. دیگران نیز بلافاصله بر روی او می ریزند. جنگ مغلوبه می شود بعد از چند لحظه یک نفر به زحمت خود را از زیر دست و پای دیگران بیرون می کشد و درحالی که غنیمت خود را توی جیبهایش می تپاند با عجله دور می شود. و بعد نفر دیگر... و دیگر... سرانجام شتر را میبینیم که بیهوش و زخمی و خون آلود روی زمین افتاده و حتی لباس به تن ندارد)

پرده سوم

(صحنه تاریک می شود . میمون در تاریکی بدون ماسک با فانوس وارد می شود و درحین خواندن آواز چیزهایی به سر درجهره های مردم شهر می آویزد.)

میمون

(با آواز) نه دیگه این واسه ما دل نمی شه
هرچی من بهش نصیحت می کنم.
که بابا آدم عاقل آخه عاشق نمی شه.
می گه یا اسم آدم دل نمی شه .
یا اگر شد دیگه عاقل نمی شه .
بهش می گم چون دلم ،
این همه دل توی دنیااست، چرا
یه کدوم مثل دل خراب صاب مرده ی من ،
پای زنهایی خوشگل نمی شه؟
چرا از این همه دل ،
یه کدوم مثل تو دیوونه ی زنجیری نیست؟
یه کدوم صبح تا غروب ،
تو کوچه ول نمی شه ؟
می گه یک دل مگه از پولاده ،
که تو این دوره زموئه چشاشو هم بذاره ،
هیچ چیزی نمی بینه،
یا اگر چیزی دید،

		خم به ابروش نیاره ؟ می گم آخه بابا جون ، اون دل پولادی ، دست کم دنبال کیف خودشه . دیگه از اشک چشش ، زیر پاش گل نمی شه .
		(میمون ناگهان فانوس خود را بالا می آورد و مقابل صورت گوینده که در گوشه ای پنهان شده است می گیرد. صحنه روشن می شود. گوینده که غافلگیر شده با ناراحتی چهره خود را می پوشاند و میمون نیز ماسک خود را بر سر می گذارد. حالا که صحنه روشن شده می توانیم آنچه را که میمون در تریکی بر سر در جره ها می کوبید ببینیم : عدد سیزده . میمون به آواز خود ادامه می دهد.)
طوطی		می گه هر سکه می شه قلب باشه . اما هرچی قلب شد دل نمی شه. نه دیگه این واسه ما دل نمی شه . (طوطی شاعر روی سکو می رود و شروع به خواندن شعر می کند.) نظری به بوستان (مکث می کند و نظری به اطراف می افکند. سگ خود را می خارد.) نظری به بوستان. (مکث . تکرار می کند.)
میمون		نظری به بوستان . نظری به بوستان. (به شتر نگاه می کند و شانه بالا می اندازد) (دلخور) خوب بله فرمودین . (رنجیده و عصبانی) بی سوادید آقا ! بی سوادید آقا ! بی سوادید عزیزم ... به خدا ! به خدا که بی سوادید، آقا . (با خودش زمزمه می کند و در دفترش یادداشت می کند) خوب پیدا کردم . آقا با خدا می شه قافیه بازو کا ...
میمون		که خود بازو کا ، یعنی البته آگه درست شلیک بشه ، بالومومبا و غنا و هیئت دوستی آمریکا ، همشون رو هم می شن قافیه آفریقا . (سر بلند می کند) نظری به بوستان ...
طوطی		(مکث – دوباره تکرار می کند) بنده می خواستم امروز در این جشن بزرگ ... (با تعجب به اطراف می نگرند) کو؟ ... چه جشنی ؟ ... بله معذرت می خوام .
خر		
طوطی		

ترک عادت سخت است.	
بنده می خواستم امروز در این حی مقدس و عزیز یکی از قصابید بزرگ و مشهورم را در هزار و یک سطر و بیست و سه بیت ...	
ای آقا ... به گوش ما رحم کنین !	میمون
خوب پس ،	طوطی
نهصد و بیست و سه بیت .	
آقا تخفیف بدین .	خرس
هشتصد و بیست و سه بیت .	طوطی
آقا خواهش می کنم !	شتر
(کم کم عصبانی می شود)	طوطی
پانصد و بیست و سه .	
نمی شه .	خر
(با قیافه تهدید آمیز به طوطی نزدیک می شود)	
(جا می خورد)	طوطی
سیصد و بیست و سه بیت .	
نمی شه .	خر
(با التماس)	طوطی
پس فقط بیست و سه بیت .	
نمی شه .	خر
خوب ... سه بیت .	طوطی
(خریس گردن طوطی را میگیرد او را هل میدهد)	
عرض کردم که سه بیت .	
نمی شه .	خر
(در حال بکه به طرف شتر می رود زیر لب غرغر می کند)	طوطی
خرکه شاخ و دم نداره آقا جان !	طوطی
(به او نزدیک می شود)	خر
ببینم .	
ب ... ب ... بله .. ؟ ش .. ش ... شما ؟	طوطی
من خرم ...	خر
... خوشوقتم .	طوطی
(خر نزدیک می شود)	
آخه من خیلی خرم ...	خر
(به سر خود می کوبد)	طوطی
... بدبختم .	
خوب حالا گوش می کنی ؟	خر
گو ... گو ... گوشم با شماست .	طوطی
(عصبانی از طوطی که از وحشت دائماً روی خود را به سوی دیگری کند فریاد می زند)	خر
د ... منو نیگا بکن !	
نی ... نیگاهم به شماست .	طوطی
چی چی گاتون ؟ ...	خر
... نی نیگاهم ...	طوطی
... ز ... زرشک !	خر

طوطی	(خر چند لحظه درسکوت او را برانداز می کند . از زدن او منصرف می شود به طرف دکان خود برمی گردد. طوطی نفس راحتی می کشد و در کنار شتر می نشیند و غرغر را شروع می کند .) من احمق رو بگو ! واسه چه جور کسانی می شینم شعر می گم ! عوض قدرشناسی به آدم زرشک تعارف می کنن! راستی راستی که خرم ... ! خیلی خرم ! (خر با سرعت پیش می رود) چطور شد ؟
خر	کی بود می گفت خرم من ؟ ! (به یکایک اشخاص رجوع می کند و آن شخص به نفر بعدی اشاره می کند .) شما بودین ... ؟
اسب	... نه ایشون.
خر	شما بودین ... ؟
میمون	... نه ایشون .
خر	شما بودین ؟
خرس	... نه ایشون .
خر	شما بودین ... ؟
سگ	... نه ایشون .
خر	شما بودین ... ؟
شتر	... نه ایشون .
خر	شوما بودین ... ؟
روباه	... نه ایشون .
خر	(به طوطی) شما بودید ؟
	(طوطی به اطراف می نگرد و چون کسی را نمی بیند که متهم کند ناچا رسکوت می کند.)
خر	(به طوطی) پس این طور ؟
طوطی	خوب دیگه شاعرم من .
خر	(با عصبانیت به طرف طوطی حمله می کند و می خواهد او را بزند) تو شاعری یا !
میمون	(خود را به میان آنها می اندازد) ... ! وایسا !
خر	خودم درستش می کنم ... (غرغرکنان دور می شود) ... بفرما !
میمون	(میمون به سرعت از حضاریک دادگاه بریاست خودش تشکیل می دهد. روباه دفتری در جلو می گذارد و وظیفه منشی را به عهده می گیرد.) (با چکش روی دیوار می کوبد) تق ... تق ... تق ... تق تق تق . توجه ... توجه ! اتل مثل تسمیه . جلسه دیگه رسمیه . هیئت منصفه کجاست ؟ ...

روپاه ... اون طرف .
 میمون شاکي کیه ؟ ...
 روپاه متهم .
 میمون متهم ؟
 روپاه متهم هم شاکيه .
 (میمون سر در نمی آورد . کله اش را می خارد)
 میمون خوب حالا متهم کیه ؟ ...
 روپاه ... شاکي کیه ؟ ...
 میمون (سرفه ای می کند)
 خیلی خوب شاکي متهم کیه ؟
 خر ... بنده ام
 روپاه بیا جلو ... (یادداشت می کند)
 خر ... بنده شمرنده ام .
 روپاه قسم بخور ...
 خر ... میل ندارم .
 روپاه قسم بخور ...
 خر ... صرف شده چون شما .
 روپاه می گم بخور ... !
 خر ... چون خودم نمی شه .
 الا نه پیش پاتون
 جاتون خالی ... یونجه سیري خوردم .
 (روپاه اظهارات او را یادداشت می کند)
 روپاه اسمتو بگو ...
 خر ... کوچك شما خرم من .
 روپاه شغل شما ؟ ...
 خر من ... بله ... خراطم من .
 میمون اون خر خراطه كه می گن شمايید ؟
 خر معلومه ...
 ... خراطم من .
 تو خراطي چون شوما
 میون خرا سرم من .
 (اشاره به طوطي)
 میمون شما از اون آقا شكایت دارین ؟
 خر چه جورم !
 میمون از كار خراطي رضایت دارین ؟
 (خر ماسكش را برمی دارد و لبه ي سقاخانه تکیه می کند .)
 خر نه قربون .
 این روز روز هرچيزي فابريك شده .
 از چيق و كوزه و قلیون بگیر ،
 تاچوب سیگار همش پلاستیک شده .
 هرجا می ري پلاسكو .
 هرجا می ري ملامین .
 ای آقا ...

دكون خراطي ديگه تخته شده.
 پس تو چرا به خراطي چسبيدي؟
 چرا نمي ري دنبال يه كار خوب؟
 يه شغل نوډ و آب دار؟
 توهم برو جنس پلاستيك بساز .
 خوب آخه من خراطي را دوست دارم.
 خيلي خري ... !
 ... معلومه.
 (ماسكش را برسر مي گذارد)
 خري كه خراط نباشه قاطره !
 كافيه .
 بفرماييد ...
 (خر مي رود)
 ... متهم ؟
 (طوطي جلو مي رود)
 بنده ام .
 اسم شما ... ؟
 طوطيه .
 طوطيه چي ؟
 طوطيه شكر كن .
 (روباه يادداشت مي كند)
 اتهام؟
 جعل نام .
 راست ميگه اون اسم منو زدیده.
 (با چکش روي ميز مي كوبد)
 تق تق تق تق تق !
 كار شما ... ؟
 ... عاشقي.
 شغل شما ... ؟
 ... شاعري.
 تو شاعري يا طوطي؟
 شاعرم من .
 شاعر طوطي نمي شه.
 خوب ديگه پس خرم من .
 هر شاعر خر نمي شه .
 هر خري شاعر نمي شه .
 به هر كتابي برسه ،
 شعر اشوازي بر نمي شه .
 تاسر فرصت پشينه .
 همشو رونويس كنه ،
 بعد تو ديوانه خودش ،
 به خط و امضاي خودش ،
 اونارو پاك نويس كنه .

ميمون

خر

ميمون

خر

ميمون

طوطي

روباه

طوطي

روباه

طوطي

ميمون

روباه

خر

ميمون

روباه

طوطي

روباه

طوطي

ميمون

طوطي

ميمون

طوطي

ميمون

اسب

خرس

شاعره خوب قلندر ه.	بژ
خر که قلندر نمی شه.	خر
فکرش باهاس روشن باشه.	میمون
خرکه منور نمی شه.	خر
شاعر باید عمیق باشه.	طوطی
خرکه مقعر نمی شه.	خر
(از جایگاه شهود)	خاله
شاعر باهاس عطر یزنه.	
خر که معطر نمی شه.	خر
شاعر باهاس شیک باشه.	روباه
لباس فاخر بپوشه.	
باهیج لباس فاخری،	خر
خرکه مغخر نمی شه.	
شاعر باید پاک باشه.	اسب
خرکه مطهر نمی شه.	خر
قدش باهاس دراز باشه.	شتر
خر که صنوبر نمی شه.	خر
صورت خوب داشته باشه.	خرس
خر که مصور نمی شه.	خر
شاعر خوب زن می گیره.	خاله
خرکه مکرر نمی شه!	خر
حالا آقایون شما بگین .	
شما قضاوت نکنین.	
بنده خرم یا ایشون ؟	
متهم.	میمون
طوطی شکر شکن.	
ساکن شهر قصه .	
شغلش ... (به روباه) چی بود؟	
... شاعری .	روباه
کارش ... (به روباه) چی بود؟	میمون
عاشقی.	روباه
اتهام ...	میمون
... جعل نام .	روباه
(آهسته به روباه)	میمون
ایشو دیگه یادم بود !	
(با صدای بلند)	
برای آخرین دفاع حاضره؟	
البته.	طوطی
بفرمایین ...	میمون
... ما گوشیم.	روباه
اتل متل سکینه .	طوطی
طوطی شکر شکن ،	
اسم من غمینه.	

شاعر شیرین سخن.	
بنده کمترین.	
(طوطی پس از چند جمله دچار بیماری شور قافیه می شود و دیگر نمی تواند جلو خودش را بگیرد)	
شاعر ماهر من.	
تو شاعر ا تکم من .	
رفیق لك لك من.	
دشمن اردکم من.	
صاحب قلکم من.	
یمن و مبارکم من .	
ضارب دنبکم من.	
دیم دددد ك د کم من.	میمون
کشنده ککم من.	طوطی
کفترتو لك من.	
انار کالکم من.	
درویش و اهل حالم.	
عاشق حالم من.	خرس
دشمن پول و مالم.	طوطی
عاشق پولکم من.	خرس
عاشق مالکم من.	روباه
ساکن قلهمک من.	طوطی
بسه دیگه ... !	میمون
... دکم من .	طوطی
بسه دیگه ... !	همه
... فکم من ... بکم من ... ککم من .	طوطی
شور قافیه طوطی را در خلسه فرو می برد)	
(می جهد و دهان او را می گیرد)	میمون
سرم رفت ... سرم رفت ... !	
(شور قافیه همه را گیج و منگ کرده است)	
(تلو تلو می خورد)	خرس
آخ سرمک منگ شده .	
منگک و گیجکم من.	
(گیج گیج می خورد)	اسب
من عرقك نخوردم .	
پس چرا مستکم من؟	
رملك و اسطرلابکم چطوشد؟	خرس
خرسك رمالم من.	
رمال رمالکم من.	
هینتك منصفه .	روباه
من سرمک گیج می ره .	
بالا و پائینك می شم .	
ملای شهرکم من.	
منشي دادگاهك من.	

صاحب عینکم من.	
من چرا همچینک می شم ...	خر
... بیگی منو .	دیگران
منک چرا مستک و لولک می شم ؟	خر
بیگی منو .	دیگران
(دهان طوطی را رها می کند)	میمون
اتک منک توتولک .	
دیدي چي کار کردي منو؟	
انداختيمون به اک اک !!	
(نفسش بند آمده و دارد از حال می رود- با این حال هنوز زیرلب ادامه می دهد)	طوطی
اکم من	
فکم من ...	
(بیهوش می شود و به زمین می افتد دیگران او را بیرون می برند)	
(خردگوشی با خرس پیچ پیچ می کند و سپس به طرف فیل پیش می آید .	
خرس نیز به سرعت در گوشه ای برای خودش دستگاه میرزانی دایر می کند)	
(عاشقانه دست به شاخهای عاجی او می کشد)	خر
خوب ... که گفتي اينجا جفتش عاجه .	
عاجشم اي ... بد نيست.	خرس
خوب داداش ... نقد بدم پونزه زار؟	خر
اي آقا ...	فیل
شونزده زار؟	خر
نه جونم.	فیل
... هیوده زار؟	خر
آقا ... شوخي می کنين...	فیل
هیژده زار .	خر
اي آقا .	سگ
کي می ياد هیژده زار.	
بده دو تاشاخ مضحك بخره؟	
(زیر گوش فیل زمزمه می کند)	
من خودم تا دوتومن مشتریشم.	
خوب بدم نوزده زار؟	خر
(با وحشت شاخهای خود را می چسبد)	فیل
خير ... قريون شما .	
شاخ من فروشي نيست.	
(با گردن کلفتي)	خر
چي چي رو فروشي نيست؟!	
من دارم اين همه پول بالاش می دم ... کلي خسارت می کشم، که با این شاخهای بی قواره و مضحك تو ، به دونه چیق درست کنم،	
که به خوابم نديدي !	
خوب آقا ... تقصير چاکر چي چيه؟	فیل
(با فرياد و هوچي بازي)	خر
آقايون !	

همه شاهد باشین !
این یارو داره به من فحش می ده !
وایسا من برم یک کاغذ بیارم .
استشار جمع کنم .
(دستپاچه)
آقا جون ... قریونتم .
آخه من چیزی نگفتم به شما .
بابا ای والله ... داداش !
عجبا ... ! عجبا !
من می گم دارم خسارت می کشم ،
روزی پنج هزار تومن ،
بالای این دوتا شاخ ضرر می دم ،
تازه سرکار جلو روی همه .
می گی تقصیر نداري ،
ای بابا ... روتو برم !
اگه من دروغ می گم ، این دوتا شاخ
روی کله ی شما چه کار داره ؟
کاملاً صحیح می فرمائین
مدرک مستندی است .
آخه قریان ... یادتون نیست مگه ؟
این دوتا دندون من بود ...
... زرشک !
(به سگ)
باز طرف می خواد به ما برگ بزنه .
مارو هالو گیر آورده چون تو !
راست می گه چون شما .
(به دیگران)
این یارو خیلی خره !
(عصبانی) چی چی شد ؟ ... نفهمیدم ؟
کی خره ؟
(سچل خود را نشان می دهد)
بنده که فاتونا ،
طبق این مدارک رسمی خرم ،
هم معافی دارم ،
هم سچل دارم ... هم گواهی خراطی ،
یا جناب آقا
که نه اسمی داره ،
نه کسی می دونه او اهل کجاست ،
نه اصولاً تو تموم دنیا
یک نفر هست بیاد به ما بگه ،
این بابا با این سر و شکل مهیب
توی دنیا چی می خواد ؟ ... کارش چیه ؟
خودشم نمی دونه .

روباه

فیل

خر

روباه

خر

روباه

فیل

خر

سگ

خر

خرس

روپاه مي گي نه ؟ نيگا بکن.
(به فيل)
آقا چون ممکنه توضیح بدین
که شما پرنده این؟ ... خزنده این ؟
گوشت خوارین؟ ... سبیین؟ ... درنده این؟
(سکوت)
خرس خوب عمو، جواب مار اندادی .
فیل والله قربان چي بگم؟
روزگاري من مادرمرده فيل بودم.
نه رو کله ام شاخي بود ،
نه دماغم آنقدره کوچك و مضحك شده بود.
اما فعلاً ... چي بگم ؟
راستي راستي خودمم نمي دونم .
(ميمون وارد مي شود)
اي بابا اينکه نشد !
آخه تو
از کدوم خراب شده را تو کشيدي اومدي
توي اين شهر قشنگ ،
ميون يه مشيت مردوم دغل
همه ختم روزگار،
همه يا هوش و زرننگ؟!
ببينم ...
نکنه از زیر بته اومدي ؟
نه آقا ،
فيل بنده پيش از اونکه اون روز غروب،
خدمت حضرت عالي برسم،
ميون جنگل سبز،
لب يك چشمه ي زيبا و خنك ،
براي خودم يه جايي داشتم.
احترامي داشتم.
هرچي بود بالاخره فيل سرافرازي بودم.
نه سرم پيش كسي خم مي شد،
نه كسي بود كه مسخره ام كنه.
يا ازم سچل بخواد.
يا بخواد از عاجم دسته چپق درست كنه.
نه ديگه اگر كسي،
اسممو مي پرسيد،
سندي قبالة اي لازم بود،
تا كه ثابت بكنم ،
بنده اسمم فيله .
عجبا ... حيرتا !
روپاه خوب حالا قبالة اي ،
مدركي،

فیل	سند مستندی همرا تونه که به ما صحت این قصه رو ثابت بکنه؟ (آه می کشد) ای آقا ... قباله ای لازم نیست. من خودم ، دیگه کم کم داره این قصه فراموش می شه. خودمم یواش یواش ، داره باورم می شه، که از اون اول خلقت اصلا، یه کسی به نام فیل توی دنیا نبوده ، محتمل هست جنابعالی ، یک چنین جانوری را یکشب توی خواب دیده باشید. بعدشم کمی خیالاتی شدم زد به کله ت که بیای به شهر ما خودتو به جای اون جا بزنی. نمی دونم ... شاید. مطمئن هستید یا مشکوکید؟ والله ... راستش ... چی بگم؟ کسی که اسم خودش یادش نیست، کسی که دندونش از روی سرش بیرون بیاد، چی می خواین یادش باشه؟ پس شما به جرم خود معترفید؟ (بی خیال) بله قربان ... (ناگهان متوجه می شود) ج ... ج ... جرم؟ (زبانش بند می یادخر و خرس زیرگوشی با هم پیچ می کند) (بازوی او را می کشد و او را به کناری می برد- زیرگوشی با او حرف می زند) بیا اینجا بابا جون ... گوشته و از بکن ... ببین دارم چی بت می گم. دیگه کارت زاره ! از سه ماه تا هشت ماه رو شاخته. (با تعجب به شاخهای خود دست می کشد) آه خدایا چه کنم؟ دیگه بیچاره شدم ! تازه این که چیزی نیست. شو ما وارد نیستین. ما که حبسی کشیدیم می دونیم. سابقه ات خراب می شه. عکستم تو روزنومه چاپ می کنن.
روباه	
خرس	
فیل	
روباه	
فیل	
روباه	
فیل	
خر	
فیل	
خر	

خر	حالا من چکار کنم؟ هیچ دیگه راهی نداری . راه فراری نداری . ام چرا ... یه راهی هست. بفرمانین ... بفرمانین پاشو برو ثبت احوال هم فاله هم تموشا. سجل بگیر، یه اسم خوشگل بگیر. آخه چه جوری؟ ...
فیل	(او را درحین صحبت به طرف خرس که پشت میز کوتاه رمالی نشسته و عینکی به چشم گذارده است می برد) پامیشی میری اداره. پیاده یا سواره . درمیزی تق تق تق (سکوت)
خرس	میری تو اتاق. انقده منتظر می شی تأزیر پات علف درآد. بعد یارو یواش یواش کله شو بالا میاره بهت می گه بفرمانین؟
فیل	(جا می خورد) من چی بگم؟ بگو که سجل ندارم. بنده سجل ندارم بمن چه؟
خرس	یارو می گه به من چه؟ بگو که می شه بگیرم؟ بتو چه؟
فیل	(عقب عقب می رود) ایشون می گن به توچه؟ بگو بابا لازمش دارم. (با ترس و لرز) قربان لازمش دارم. (خر آهسته کنار می رود)
خرس	چیکار کنم؟ به تو چه ؟ آخه می دونین سجل عکس دار می خوام. به من چه؟ میدونی چیه؟ بتو چه؟ سجلو واسه کار میخوام.
فیل	

خرس	به من چه؟
فیل	شیش ساله من کار ندارم.
خرس	به من چه؟
فیل	میدونی که بی پولی چیه؟
خرس	بتو چه؟
فیل	سی ساله من پول ندارم.
خرس	به من چه؟
	(مکث)
	حالا ببینم این کار ما،
فیل	هیچ جوری حل نمی شه؟
خرس	بتو چه؟
فیل	آخه بی سجل نمی شه !
خرس	بمن چه؟
فیل	آقای عزیز ... قربونتم
	صدقه بلاگردونتم
	... گوش می کنی؟
خرس	بتو چه؟
فیل	نوکرتم ... چاکرتم
	تو يك كلوم فقط بگو
	یه آدم قُلك زده
	یه بخت برگشته ای که سجل بخواد
	بایس چه کاری بکنه؟
	راس راسی تکلیفش چیه؟
	(خرس به تقلید کارمند مربوطه سرش را می خارد و فکر می کند)
خرس	والله آقا ... کار شما
	اینجوری ها حل نمی شه
	اینجور چیزا تمیر می خواد
	مهر می خواد ... امضا می خواد
	کاغذ می خواد ... مداد می خواد
	قلم می خواد ... دوات می خواد
	آخوند می خواد ... ملا می خواد
	سفارش از بالا می خواد
	تعارف و سلام می خواد
	آدم خوش کلام می خواد
	پول می خواد ... مقام می خواد ...
	(مکث)
	تمیر پیش ذیجسابه .
	مهرمونم خرابه .
	امضا پیش رئیسه .
	رنیس پیش مداده .
	مداد پیش دواته .
	دوات توی اطاقه .
	اطاق درش کلیده

خلاصه ...	
چه جور ی بگم فلونی ؟	
(می خندد)	
خودت باید بدونی.	
(نمی فهمد)	فیل
نه والله !	
(با دست اشاره مخصوصی می کند)	خرس
می فهمی ؟	
نه بالله !	خرس
پس بذار حالت بکنم ...	خرس
... بفرما.	فیل
هرچیزی تکلیفی داره.	خرس
هرکاری ادایی داره	
فال بگیر ی نیاز داره	
زن بگیر ی جهاز داره	
تیاتر بر ی بلیط می خواد .	
هرجا بخوای بگردی رو واز بکنی	
بالاخره کلید می خواد.	
حالت شد ؟ ...	
... نه والله .	فیل
چقدر خنگی ماشاالله !	خرس
ببین جونم ... به اصطلاح ...	
اله سون و وله سون ...	
پول چایی رو چیکار کن ؟ ...	فیل
چه عرض کنم ؟	
... (کلافه) برسون ... !!	خرس
(سکوت)	
بالاخره حالت شد ؟	
البته ... چه جورم !	فیل
(فیل یکی از شاخهای خود را برمی دارد و به او می دهد)	
خیلی باهاس ببخشین .	
چه حرفا !	خرس
قابل شما رو نداره .	فیل
چه کارا !	خرس
بنده که روسیاهم .	فیل
بنده بارگناهم !	خرس
خوب ... حالا من ...	فیل
چاکر آستاتم !	خرس
عرض شود ...	فیل
... نوکر خانه زادم !	خرس
عرض می کنم چه روزی خدمت برسم ؟	فیل
ای آقا خدمت از ماست !	خرس
(چیزی می نویسد و امضا می کند)	

فیل	فردا پیام؟
خرس	نه قربون .
فیل	یه شنبه ؟
خرس	نه جاتم.
فیل	دوشنبه ... ؟ سه شنبه ... ؟
خرس	(شناسنامه کامل را به دست او می دهد) بفرمائین ...
فیل	... چطور شد؟ (متحیر است)
خرس	سجرتون حاضره .
فیل	(از تعجب نفسش بند آمد)
خر	ح ... ح ... ح ... حاضره؟ ...
	سام علیک ... بفرمائین
	(فیل خسته و وامانده و گیج کنار او می نشیند و به نقطه ای خیره می شود)
	خوب چطو شد؟ ... یارو آخرش چی گفت؟
	(فیل مات نگاه می کند)
	آخرش برات سجل صادر کرد؟
	(سکوت)
	اوی ... عمو ... دارم باهات حرف می زنم !
	مگه خوابت برده ؟
فیل	(بخود می آید)
	اوه ... بله
	خیلی معذرت می خوام ... چی فرمودین ؟
خر	پرسیدم سجل گرفتی؟ ...
فیل	... بله ...
خر	... الحمدالله.
	خیلی اوضات خراب بود ...
فیل	... بله قربان ، می دونم .
خر	حالا بین خودمون ،
	یارو هم لوطی گری کرد چون تو .
	اگه نه صدور این سجل سه ماه طول می کشید.
فیل	بله ... من شانس آوردم ...
خر	... پس چی !
	آخه من به اون یارو
	بابت کار شما خیلی سفارش کردم .
فیل	ممنونم ،
خر	(نزدیک می شود)
	خوب داداش ، بالاخره ،
	اسم سرکار چی شد؟
فیل	فیل قربان ... نه ... چی چیز ...
	صبرکنین نیگاه کنم
	اوه ... بله .
	م ... منوچهر !

(همه به شدت می خندند- فیل چند لحظه مات و گیج به شناسنامه و نام بی مسمانی که بر او نهاده اند خیره می شود و بعد با یک حالت عصبانی ماسک خود را بر می دارد و به دور می اندازد و با صدایی که از اعماق وجودش برخاسته فریاد می کشد)

فیل

خیر نبینی ...

خیر نبینی ...

خیر نبینی حمومی ...

(کم کم دیگران به صورت دسته ی کر همراه او شروع به آواز

خواندن می کنند و گرد او می رقصند.)

... طاس و دولیچه م جهنم

لنگ و قدیقه م روبردن

طاس و دولیچه و لنگ و قدیقه م جهنم

فرش و قالیچه م رو بردن

طاس و دولیچه و لنگ و قدیقه و فرش و قالیچه جهنم

دندون عاجم رو بردن

دندون عاجم جهنم

خرطومم رو خوردن

خرطومم جهنم

حتی اسمم رو بردن

خیر نبینی ... خیر نبینی حمومی ،

(فیل با فریاد آخرین در برابر سقاخانه به زانو می افتد و خاموش می ماند.

دیگران به جز میمون که در تمام مدت به گوشه ای خزیده بود و ساکت بود یکی

یکی درحین رقص از صحنه خارج می شوند. گوینده وارد می شود)

گوینده

بچه ها ...

(کسی پاسخ نمی دهد .)

بچه ها ...

(سکوت)

بچه ها ...

(سکوت – گوینده مضطرب می شود)

بچه ها ...

من دارم قصه می گم ... !

(وحشت زده فریاد می کشد)

بچه ها ... بچه ها !!

(میمون ماسک خود را برمی دارد و برمی خیزد و درحالی که

می خواند به طرف فیل می رود)

نه دیگه ...

نه دیگه این واسه ما دل نمی شه .

(بازوی فیل را می گیرد و او را از زمین بلند میکند. نگاهش با نگاه وحشت

زده و لبریز از تنهایی گوینده برخورد می کند. با لبخندی تلخ)

آقا ما مجنونیم

آقا ما داغونیم ...

(زیر لب)

خودمون می دونیم .

میمون

گوینده

(صفحه تاریک می شود)

پایان

این نمایشنامه با عنوان نمایش برگزیده تلویزیون ملی ایران در جشن هنر شیراز ۱۳۴۷ بروی صحنه برده شد و به دریافت امتیاز نائل آمد.

در سال ۱۳۴۷ یکبار در جشن هنر شیراز و دوبار در تالار بیست و پنج شهرپور بازی شد.

داستانسرا	جمیله ندائی « مفید »
خاله سوسکه	تهمینه مدنی
خرس	فرخ صوفی
سگ	فرهاد صوفی
خر	محمود استاد محمد
میمون	آرش
نقشهای نمایشنامه شهر قصه عبارتند از :	بزرگه دراجرای آن به کارگردانی بیژن مفید توسط :
رشید کنعانی	حسین والامنش
فیل	عباس جاویدان
روباه	سهیل سوزنی
اسب	اردوان مفید
شتر	هومن مفید
موش	